

مقررات مالی سیاسی در جهان

مروری بر بانک اطلاعاتی «موسسه بین المللی دموکراسی و همکاری انتخاباتی»

منابع موسسه دموکراسی و همکاری انتخاباتی درباره مشارکت سیاسی

موسسه بین المللی دموکراسی و همیاری انتخابات ۲۰۱۲ ©

مطالب موسسه بین المللی دموکراسی و همیاری انتخاباتی از هرگونه منافع سیاسی و ملی مستقل است. دیدگاه هایی که در این نشریه می آید الزاما بازتاب دهنده دیدگاه های موسسه بین المللی دموکراسی، هیات مدیره و یا اعضای شورای این نهاد نیست.

نقشه های این نشریه نشان دهنده داوری موسسه بر وضعیت حقوقی کشور یا قلمروی خاص و یا تایید مرزهای جغرافیایی آن نیست و موقعیت و اندازه هیچ کشور یا قلمروی منعکس کننده دیدگاه سیاسی موسسه به شمار نمی رود. نقشه های ارائه شده در این نشریه تنها با هدف افزودن به شفافیت مطلب است.

این گزارش بر اساس اطلاعات جمع آوری شده تا فوریه ۲۰۱۲ تهیه شده است. موسسه بین المللی دموکراسی و همیاری انتخاباتی، همواره نقشه ها و اطلاعاتش را بروز می کند. برای اطلاعات بیشتر لطفاً به اینجا مراجعه کنید:

<http://www.idea.int/political-finance>

درخواست مجوز بازتولید یا ترجمه تمام یا بخش هایی از این نشریه باید به این آدرس ارائه شود:

Publications Office
International IDEA
SE -103 34 Stockholm
Sweden

موسسه بین المللی دموکراسی و همیاری انتخاباتی، از تکثیر آثار خود استقبال می کند و به تمامی درخواست های کسب مجوز برای بازتاب یا ترجمه نشریاتش پاسخ می دهد.

معرفی

بانک اطلاعاتی «موسسه دموکراسی و همیاری انتخاباتی» درباره نظام مالی سیاسی، اولین بار در سال ۲۰۰۳ تشکیل شد و از آن زمان به بعد به منبع عمده اطلاعات در این زمینه در سطح جهان بدل گشت. در سال ۲۰۱۱ موسسه تصمیم گرفت این اطلاعات را بروز کند و حوزه های بیشتری از جمله هزینه کاندیداتوری، مسائل جنسیتی، و سوءاستفاده از منابع دولتی را پوشش دهد. بانک اطلاعاتی نظام های مالی سیاسی این موسسه، اکنون حاوی مطالب بروز درباره قوانین ۱۸۰ کشور جهان است.

این گزارش قصد دارد معرف بانک اطلاعاتی موسسه باشد و نظام مالی سیاسی در بخش های مختلف جهان را مقایسه کند. بخش تحلیل دو فصل دارد. فصل اول، «تحلیل جهانی و منطقه ای»، مروری جهانی دارد به قوانین پوشش داده شده در بانک اطلاعاتی و وضعیت نقاط مختلف جهان. یک رشته نقشه های جهان نیز برای نمایش نحوه گسترش قوانین مختلف تعبیه شده است. فصل دوم، «نظام مالی سیاسی و دیگر متغیرها»، متغیرهایی را معرفی می کند که نه در بانک اطلاعاتی موجودند و نه با نظام مالی سیاسی ارتباط مستقیم دارند و هدفشان کشف ارتباط میان فاکتورهایی چون سطح آزادی سیاسی و وجود انواع مختلف نظام و قوانین است.

این تحقیق به همان میزان که قصد دارد مبتنی بر داده ها باشد، نتیجه گیری از یافته ها را هدف قرار نمی دهد و به دنبال توضیح موشکافانه یا دلالت اطلاعات موجود در بانک اطلاعاتی نیست. در عوض، امیدواریم که این زحمت را دیگرانی متقبل شوند که به قوانین جهانی یا کشور و منطقه ای خاص علاقمندند. ما چشم انتظار هستیم تا ببینیم از این داده ها چطور برای کشف و نمایش مسائل پیچیده زیادی که با نقش پول در سیاست مرتبط هستند استفاده می شود.

در پایان، مایلیم از پژوهشگران و کارشناسانی که در این پروژه همکاری کردند سپاسگزاری کنیم. تشکر مخصوص می کنیم از الین فالگوئرا Elin Falguera و سم ون در ستاک Sam van der Staak، به خاطر نظارت کیفی و بررسی این کار و همچنین نادیا هاندال زاندر Nadia Handal Zander، مدیر انتشارات موسسه بین المللی دموکراسی و همیاری انتخاباتی، به خاطر نظارت بر کار پیشرفت انتشار.

درباره بانک اطلاعاتی

بانک اطلاعاتی بروز شده موسسه بین المللی دموکراسی و همیاری انتخاباتی درباره نظام مالی سیاسی به ۴۳ پرسش جداگانه درباره امور مالی سیاسی پاسخ می دهد. این پرسش ها به سه بخش عمده تقسیم شده اند: نظام درآمد، نظام مخارج، و نظام اطلاع رسانی (شفافیت)، اجرا و مجازات. ۴۳ پرسش برای اهدافی که تحقیق پیش رو دنبال میکند در هفت بخش گنجانده شده اند، که جزئیاتش در جدول شماره ۱ بیان شده است. فهرست کامل پرسش ها را می توان در پیوست یافت.

جدول ۱.

فصل ۱ هر کدام از این دسته بندی ها را به نوبت تحلیل می کند. هر بخش از این نشریه حاوی جدولی منطقه ای است که نتایج پرسش ها را به تفکیک منطقه نشان می دهد. بنابراین درصدها نشانگر سهم کشورهایی از یک منطقه است که برایشان پاسخ مثبت ثبت شده است. باید بدانیم که این تحقیق فقط دربرگیرنده پرسش هایی است که جوابشان تنها «بله» و «خیر» است و یا تنها با گزینه هایی محدود می توان به آنها جواب داد. در برخی موارد که جوابها نکات عمیق تری را شامل می شود، جوابها مطابق نیاز این پژوهش برای پاسخ های بله و خیر بازسازی شده اند. در این موارد، اطلاعات تکمیلی در بانک داده ها موجود است.

بانک داده های اولیه «موسسه دموکراسی و همیاری انتخاباتی» مربوط به سال ۲۰۰۳ تنها بیش از ۱۰۰ کشور را پوشش می داد و شامل کشورهایی که از نظر آزادی در شاخص جهانی به عنوان «غیرآزاد»

کدگذاری شده بودند نمی شد. (مراجعه کنید به:

<http://www.idea.int/parties/finance/methodology.cfm>) با این وجود، تحقیقات بیشتر نشان داده که قوانین و نظام مالی سیاسی گاهی در کشورهای «غیرآزاد» به اندازه دیگر کشورها رایج است. در واقع، داده های مختلف اطلاعاتی آمده در این تحقیق نشان می دهند که سطح پایین تری از آزادی الزامات منجر منجر به قوانین مالی سیاسی کمتر نمی شود. قصد ما این نیست که بگوییم قوانین یکسان الزامات مقاصد و تاثیرگذاری یکسان در تمامی کشورها را دنبال می کنند. در نتیجه اینطور تصمیم گرفته شد که کشورهای «غیرآزاد» را نیز در بررسی لحاظ کنیم تا فرصت مقایسه نظام و قوانین در کشورهای مختلف فراهم شود.

بنا بر این نهاده شده که توضیح «کشور» تنها کشورهای عضو سازمان ملل متحد را دربرگیرد و نه کشورهای که در آنها:

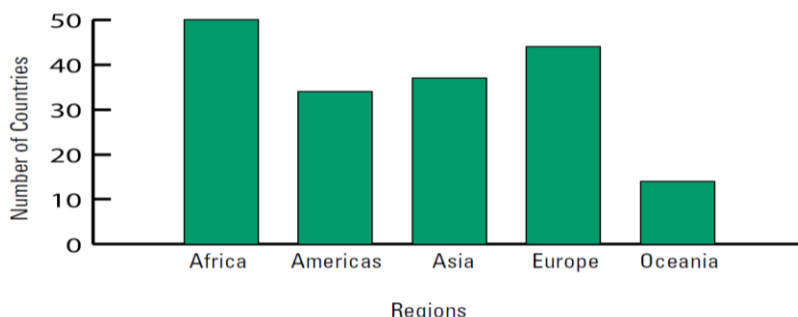
- قانون اجازه وجود احزاب را نمی دهد (یعنی کشورهایی که احزاب قانونا ممنوعند)
- احزاب سیاسی اجازه ثبت نام کاندیدایشان را در انتخابات ندارند، و یا
- طی ۳۰ سال گذشته انتخابات برگزار نکرده اند.

کشورهایی که در پژوهش گنجانده نشده اند عبارتند از پرونی، جمهوری خلق چین، کوبا، اریتره، کویت، لائوس، و جمهوری دموکراتیک خلق کره (کره شمالی)، عمان، قطر، عربستان سعودی، سومالی، امارات متحده عربی، و ویتنام.

به این ترتیب ۱۸۰ کشور باقی می ماند و برای تمامی آن ها دست کم برای شماری از ۴۳ پرسش موجود در بانک اطلاعاتی می توان پاسخ یافت. تا پایان سال ۲۰۱۱، بانک اطلاعاتی تقریباً ۷۰۰۰ عنوان داده اطلاعاتی یا حدود ۹۰ درصد از شمار کلی جواب های ممکن را دربرمی گرفت. در واقع، کمتر از ۵ تا از ۴۳ پرسش در ۱۴۲ کشور (یا ۸۰ درصد کشورهای تحت پوشش بانک داده ها) بی پاسخ ماند.

همانطور که در بالا گفته شد، یک هدف این گزارش مقایسه نظام مالی سیاسی در بخش های مختلف جهان است. مناطقی که مورد پوشش قرار گرفته اند- آفریقا، آمریکا، آسیا، اروپا، و اقیانوسیه- همگی در بانک داده های اطلاعاتی یگانه موسسه بین المللی دموکراسی و همیاری انتخاباتی قرار دارند که بانک اطلاعاتی جدید نظام مالی سیاسی متعلق به آن است. (مراجعه کنید به <http://www.idea.int/uid>) شمار کشورهای در هر منطقه در شکل شماره ۱ نشان داده شده. دقت کنید شمار اندک کشورهای منطقه اقیانوسیه بدان معنا است که کدگذاری کشورهای مجزا می تواند تاثیر چشمگیری بر میانگین منطقه داشته باشد.

Figure 1. Regions in the database



پژوهشگران هنگام مونتاز داده‌ها در ابتدا از قوانین کشورها استفاده کردند. در صورت عدم وجود قوانین متناسب، منابع مکتوب مانند گزارش‌های انتخاباتی یا تحلیل‌های سیاسی مورد بررسی قرار گرفتند. همچنین کارشناسان کشورهای مختلف مانند مسئولان نهادهای مدیریت انتخابات، چهره‌های دانشگاهی و یا ناظران مستقل به محققان در رسیدن به اطلاعات متناسب یاری رساندند. استخراج‌های صورت گرفته از قوانین و دیگر منابع مورد استفاده در کدگذاری نیز در بانک داده‌های اطلاعاتی نشان داده شده و می‌توان از آن‌ها برای تحقیقات بیشتر در سطح ملی، منطقه‌ای و یا جهانی برای دلایل و مهمتر از آن تأثیر انواع گوناگون قوانین استفاده کرد.

بانک داده‌های اطلاعاتی قدیمی مربوط به سال ۲۰۰۳ هنوز روی وبسایت موسسه بین‌المللی دموکراسی و همیاری انتخاباتی قابل دسترسی است. کاربران می‌توانند بانک‌های اطلاعاتی قدیمی و جدید را مقایسه کنند. هرچند ذکر این نکته اهمیت دارد که ترکیب کلامی و زبانی پرسش‌ها و دستورالعمل‌های کدگذاری آن‌ها یکسان نیست و ممکن است موجب سردرگمی شود. به علاوه با فهرست مفصل کشورهای تحت پوشش در بانک داده‌های مربوط به سال ۲۰۱۲، اختلاف موجود در نتایج میان دو سری داده، نشانگر تغییرات قوانینی نیست که از زمان خلق بانک داده‌های اطلاعاتی اولیه به بعد رخ داده است. دو نکته نهایی: اولاً، با آن‌که بانک اطلاعاتی مربوط به وجود قوانین رسمی در امور مالی سیاسی است، اما نه میزان اعمال چنین قوانینی را می‌سنجد و نه نقش غیررسمی پول در سیاست در کشورهای مختلف را بررسی می‌کند.

دوماً، بانک اطلاعاتی یک سلسله پاسخ ثابت نیست، بلکه مقصود این بوده که چنین بانکی به مرور ترمیم شود و با انتشار اطلاعات جدید و بهتر گسترش یابد. این بدان معنا است که در هیچ برهه زمانی نمی‌توان ادعا کرد که بانک داده‌های اطلاعاتی تکمیل و نهایی شده است. ما کاربران را ترغیب می‌کنیم تا هرگونه بی‌دقتی را گوشزد کنند و درباره کدگذاری کشورها اطلاعات جدید ارائه دهند. تحلیل این گزارش بر اساس داده‌های موجود در فوریه ۲۰۱۲ صورت گرفته است.

امید ما آن است که بانک اطلاعاتی جدید از نظر قوانین و نظام و همچنین کنترل پول در سیاست برای افراد بیشتری مفید واقع شود. اطلاعات بیشتر درباره پرسش‌های مختلف موجود در بانک اطلاعاتی، از جمله توضیحات درباره پرسش‌های دسته‌بندی شده و مجزا و همچنین دستورالعمل کدگذاری مورد استفاده محققان را می‌توان در این صفحه پیدا کرد:

- تحلیلی که در فصل‌های آینده می‌آید فراوانی اطلاعات مفید درباره قوانین و نظام مالی-سیاسی در جهان را نشان می‌دهد. این تحلیل ماهیتی متغیر دارد و آنچه در زیر می‌آید یافته‌های اولیه‌ای است که مباحث و تحقیقات ثانویه را ترغیب می‌کند.
- در تمام دنیا، رایج‌ترین ممنوعیت کمک‌های مالی مربوط است به منابع دولتی (منهای اختصاص بودجه‌های عمومی قانونی). در کل در ۸۵ درصد کشورهایی که اطلاعاتشان در دسترس است (به عبارت دیگر ۹۴ کشور از ۱۱۰ کشور) برای مقابله با سوءاستفاده از منابع دولتی، چنین بودجه‌هایی ممنوع شده است، هرچند بررسی تأثیرگذاری چنین ممنوعیت‌هایی خود مستلزم تحقیقات بیشتر است.
 - منع کمک‌های مالی خارجی نیز رایج است: ۶۸ درصد از کشورها کمک‌های خارجی به احزاب را منع می‌کنند در حالی که ۵۱ درصد از کشورها کمک خارجی به کاندیداها ممنوع است.
 - در مقابل، تنها در ۲۲ درصد از کشورها (۳۶ کشور) کمک مالی شرکت‌های بزرگ ممنوع است، هرچند در قاره آمریکا ۴۲ درصد از کشورها کمک‌های مالی شرکت‌های بزرگ را منع می‌کنند.
 - ۵۵ درصد از کشورهای جهان (۷۴ کشور) محدودیتی در میزان کمک مالی به احزاب سیاسی یا کاندیداها قائل نیستند. در آفریقا و اقیانوسیه، محدودیت کمک مالی تقریباً وجود ندارد، در حالی که این محدودیت در کشورهای اروپایی بیشتر رواج دارد.
 - ۶۸ درصد از کشورها (۱۱۶ کشور) بودجه‌های مستقیم از محل بودجه عمومی برای احزاب سیاسی دارند، هرچند این رقم در ۲۷ درصد در کشورهای اقیانوسیه تا ۸۶ درصد در اروپا متغیر است.
 - ۶۹ درصد از تمامی کشورها دسترسی آزاد یا سوبسید دار به رسانه‌ها را در اختیار احزاب سیاسی قرار می‌دهند، و آفریقا در این میان تنها قاره‌ای است که بیشترین تمرکز را بر این همیاری دارد.
 - تنها ۲۹ درصد (۴۹ کشور) میزان پولی که احزاب سیاسی اجازه دارند مصرف کنند را محدود می‌کنند، و ۴۴ درصد از کشورها این محدودیت را بر کاندیداها و انتخاباتی اعمال می‌کنند.
 - ۸۸ درصد کشورهای جهان (۱۴۳ کشور) از احزاب یا کاندیداها تقاضای گزارش مالی می‌کنند. تنها ۵۳ درصد از کشورهای جهان هم از احزاب و هم از کاندیداها تقاضای ارائه گزارش مالی میکنند، و این امر نشان از راه‌های دررو بالقوه‌ای دارد که پول از آن طریق در میان طرف‌های ذینفعی کانالیزه می‌شود که ملزم به ارائه گزارش مالی نیستند.
 - در ۴۰ کشور (۲۵ درصد کشورهای تحت پوشش بانک داده‌های اطلاعاتی)، هیچ نهادی رسماً موظف نشده که بررسی گزارش‌های مالی ارائه شده یا تحقیق درباره تخلف‌های بالقوه از قوانین مالی-سیاسی را بر عهده بگیرد.
 - در آخر، در بیش از ۲۵ درصد کشورهایی که از احزاب و یا کاندیداها گزارش مالی می‌گیرند، احتیاجی نیست که این اطلاعات در دسترس عموم قرار گیرد.

الف) نگاهی گذرا به دنیای نظام مالی سیاسی

این فصل مروری جهانی دارد به قوانین و نظام مالی سیاسی تحت پوشش بانک داده های اطلاعاتی و عملکرد این نظام در مناطق مختلف جهان را بررسی می کند. هر کدام از هفت بخش شامل مروری بر فهرست سوالات، تحلیل عمیق تر و جدولی است که نتایج پرسش های خرد شده برای هر منطقه را نشان می دهد.

نکته اول این است که، طبق تحقیق ما، تمامی کشورهای جهان درباره نقش پول در سیاست مقرراتی دارند، هر چند در پنج کشور-باهاماس، بلیز، سنت وینسنت و گرنادینس، ساموآ و تووالو- تنها قانونی که شناسایی شد، ممنوعیت خرید رای بود. هر چند به نظر نمی رسد که قوانین ممنوعیت خرید رای در کشورهای جیبوتی، و سنت کیتز و نویس وجود داشته باشد. این کشورها از بودجه عمومی مستقیم و تسهیلات مالیاتی برای احزاب سیاسی استفاده می کنند. کشورهای فوق همگی کشورهایی بسیار کوچک با جمعیت متوسط کمتر از ۲۰۰ هزار نفرند و این حقایق شاید کمکی باشد به درک دلیل پایین بودن سطح قوانین. با آن که احزاب سیاسی در هیچ یک از این کشورها ممنوع نیست، احزاب به معنایی که ما درک میکنیم در برخی از آنها وجود ندارد.

کشور متوسط موجود در بانک داده های اطلاعاتی، از نیمی از قوانین موجود در تحلیل استفاده می کند. کشورهای اروپای شرقی مانند بلغارستان، کرواسی، لاتویا، لهستان، و رومانی از جمله کشورهایی هستند که بیشترین شمار قوانین موجود در بانک اطلاعاتی را مورد استفاده قرار می دهند. از دیگر کشورهای قانونمند باید به بوتان، کانادا، اکوادور، اسرائیل، پرتغال، و کره جنوبی اشاره کرد. جالب است که هیچ یک از کشورهای نسل اول دموکراسی در اروپا در این گروه نیست. سطح بالای قوانین می تواند نشانگر تمایل به قانونمند کردن آنچه چیزی باشد که رابطه نامطلوب میان پول و سیاست قلمداد می شود. همچنین می تواند در نتیجه نفوذ بازیگران بین المللی حین و پس از انتقال به دموکراسی در برخی کشورها باشد که آن ها را به وضع قوانین سوق داده است. هر چه که باشد باید تصریح کنیم که شمار قوانین مالی سیاسی به هیچ عنوان با میزان تاثیرگذاری و نظارت رابطه ای ندارد.

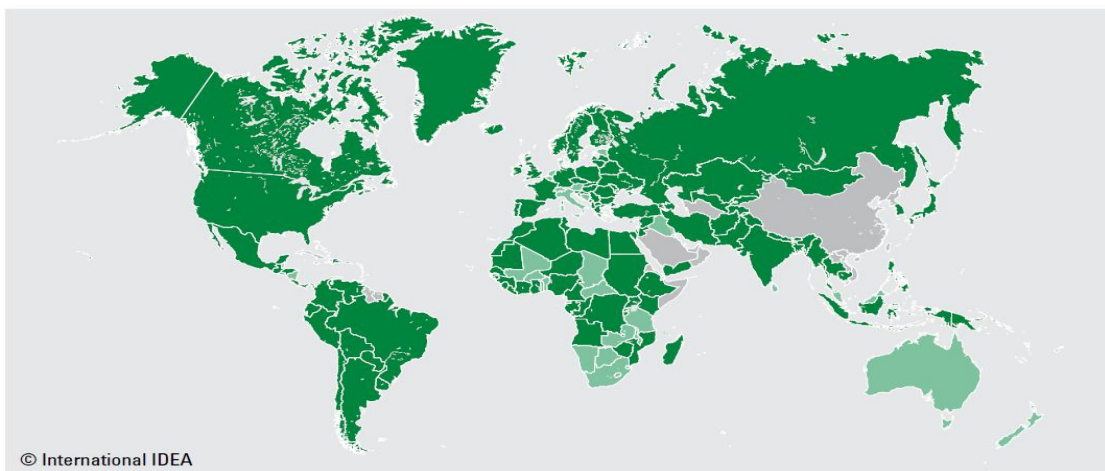
حتی گذراترین نگاه به وضع مناطق حاکی است که وضعیت مالی سیاسی ۱۴ کشور منطقه اقیانوسیه، به شکل محسوس قانونمند نشده است. برای ۳۰ پرسش موجود در تحقیق، کشورهای اقیانوسیه به طور متوسط در ۲۱ درصد موارد قانونمند هستند. درصد کشورهای قانونمند از نظر وضعیت مالی سیاسی در آفریقا ۴۱ درصد، در قاره آمریکا ۵۴ درصد، در آسیا ۵۶ درصد، و در اروپا ۶۰ درصد است. در واقع، اگر استرالیا و نیوزیلند را در نظر نمی گرفتیم، اقیانوسیه برای اغلب سوال ها صفر می گرفت.

دلیل دقیق آن نامشخص است، اما می تواند به این امر مرتبط باشد که ۹ تا از ۱۴ کشور مورد نظر در آنجا، کشورهای بسیار کوچک با جمعیت کمتر از ۵۰۰ هزار نفر هستند، و دو کشور هم جمعیت زیر یک میلیون نفر دارند. به احتمال زیاد ماهیت غیررسمی سیاست در جاهایی مثل نائورو (با ۹۰۰۰ نفر جمعیت) و تووالو (با ۱۱ هزار نفر جمعیت) به این معنا است که نظام مالی سیاسی وجود ندارد. تمرکز کلی بر اقتصاد نامزدی در قاره آمریکا (با در نظر گرفتن این که نظام های انتخاباتی در آن منطقه بیشتر بر تمرکز بر احزاب سیاسی است) شاید به دلیل شمار بالای نظام های ریاست جمهوری در آن منطقه باشد.

ب) ممنوعیت کمک‌های مالی (سوال ۱ تا ۱۲)

نظرات بر بانک داده‌های اطلاعاتی:

- نرخ پاسخدهی بالا، ۸۴٪ به طور متوسط و از ۱۲ سوال ۱۰ سوال نرخ ۸۵٪ و بالاتر.
- پرسش‌ها درباره منع کمک‌های مالی بی‌نام و نشان به کاندیداها و منابع دولتی اهدایی به احزاب و کاندیداها استتفا هستند. نرخ پاسخ به این سوالات به ترتیب ۷۲٪ و ۶۱٪ بود.
- بانک داده‌های اطلاعاتی برای تمامی ۱۲ پرسش در ۷۹ کشور (۴۴ درصد) قابل دسترس همگان است و در ده کشور (۶٪) در دسترس هیچ‌کس نیست.
- نگرانی کلی این است که در برخی کشورها ظاهراً فرض بر این است که نظام و قوانین درباره احزاب سیاسی به کاندیداها آنان نیز ربط دارد، هرچند چنین چیزی صراحتاً گفته نشده و وضعیت حقوقی واقعی نامشخص است. در چنین مواردی به برداشت و روایت نیاز است.
-



این نقشه بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده تا فوریه ۲۰۱۲ تنظیم شده است. نقشه‌ها دائماً در حال بروز شدن در بانک اطلاعاتی هستند. اینجا ببینید:

<http://www.idea.int/political-finance/question.cfm?id=246>

سوال: آیا کمک‌های مالی خارجی به احزاب سیاسی ممنوع است؟

سبز: بله

سبز کمرنگ: خیر

خاکستری: نمی‌دانیم

خلاصه

بخش نخست بانک داده های اطلاعاتی به ممنوعیت ها -گاهی از آنها با عنوان محدودیت های کیفی یاد می شود- درباره مشارکت یا کمک های مالی به کاندیداها و احزاب سیاسی می پردازد. اگر ده کشوری در جهان را که در مورد ممنوعیت کمک مالی هیچ اطلاعاتی از آنها در دسترس نیست، در می یابیم که دست کم یک مورد ممنوعیت در ۷۲ درصد تمامی کشورها به چشم می خورد. سه نوع محدودیت در اغلب کشورها هست (با در نظر گرفتن میانگین احزاب و کاندیداها): نوع کمک مالی (الف) منافع خارجی، (ب) منابع نامعلوم و (ج) منابع دولتی (مورد آخر دربرگیرنده بودجه عمومی قانونی نیست).

ممنوعیت ارائه منابع دولتی به احزاب سیاسی یا کاندیداها رایج ترین نوع ممنوعیت است که در ۸۵ درصد از کشورهایی که اطلاعاتشان در دسترس است، وجود دارد. همانطور که در بالا گفته شد، نرخ پاسخدهی به این سوال عموماً پایین و در حد ۶۱ درصد بود. هرچند، حتی در شرایط بعید فرضی که در هیچ یک از کشورهایی که اطلاعاتی از شان نیست این ممنوعیت نباشد، چنین ممنوعیتی همچنان در اکثریت کشورهای جهان موجود خواهد بود. بنابراین اینطور به نظر می رسد که نگرانی از سوءاستفاده بالقوه از بودجه دولتی رایج ترین ملاحظه در وضع ممنوعیت کمک های مالی است. این ممنوعیت الزاماً به معنای منع موثر سوءاستفاده های احتمالی نیست.

در بسیاری از کشورها قبول کمک مالی از شرکت هایی که بخشی از مالکیتشان دولتی است و یا طرف قرارداد دولت هستند (۴۶ درصد احزاب سیاسی و ۳۸ درصد کاندیداها) ممنوع است. ممنوعیت قبول کمک مالی از شرکت هایی که بخشی از مالکیتشان دولتی است به نگرانی از سوءاستفاده از منابع دولتی مربوط است و در مورد شرکت های طرف قرارداد دولت، ممنوعیت قبول کمک به ایجاد توقع در شرکت مزبور به کسب پاداش و مسائلی از این دست مرتبط است. کمک های مالی خارجی نیز عموماً نامطلوب قلمداد می شود، ۶۸ درصد کشورها کمک خارجی به احزاب سیاسی و ۵۱ درصد کشورها کمک خارجی به کاندیداها را منع می کنند. ممنوعیت کمک های مالی از سوی منابع ناشناس نیز به احزاب و کاندیداها رایج است (به ترتیب ۵۵ درصد و ۴۲ درصد). البته این که این ارقام بالاتر از این نیست از یک بعد تعجب برانگیز است. مثلاً، وقتی کمک مالی منابع ناشناس مجاز است، ممنوعیت کمک خارجی را چطور می توان اعمال کرد، مثلاً کشورهای جمهوری دومینیکن و مالتا اینگونه اند. در واقع می توان گفت، اغلب کشورهایی که کمک منابع ناشناس را منع نمی کنند، در واقع هیچ گونه ممنوعیتی بر کمک مالی اهدایی ندارند.

حدود ۱۵ درصد کشورها ممنوعیت مستقیم بر کمک های منابع ناشناس ندارند اما تنها تا سقف مشخصی از این کمک ها را مجاز می دانند. مدافعان این روش که بویژه مورد استقبال چهره های سیاسی اپوزیسیون بسیاری از کشورها است می گویند این روش در مورد عملکرد کمک های بزرگتر شفاف سازی می کند، و در عین حال از اهداکنندگان کوچکتری که اگر گرایش سیاسیشان مشخص شود، مورد آزار و اذیت قرار می گیرند، حمایت می کند. این که آیا چنین راه حل هایی میان شفافیت و حق حمایت از حریم شخصی توازن ایجاد میکند و یا این که فرصتی پیش می آورد تا پول دهندگان بزرگ خود را پشت شرکای کوچکتر مخفی کنند، مسئله ای است که باید به طور جداگانه در هر کشور مورد بررسی قرار گیرد. معمولاً میان قوانین کمک مالی شرکت ها و اتحادیه کاری ارتباط ایجاد می شود. با در نظر گرفتن این نکته که معمولاً اتحادیه های کاری به حمایت از احزاب چپگرا گرایش دارند، اگر منافع یک شرکت بیشتر به حمایت از راستگرایان متمایل است، در صورتی که هم شرکت و هم اتحادیه از اهدای کمک مالی

به احزاب ممنوع شوند، توازن ایجاد می شود. بانک داده های اطلاعاتی نشان می دهد که چنین خط مشیی در قوانین بسیاری از کشورها که ممنوعیت های مشابه دارند، بازتاب یافته است: با آن که کشورهایی که کمک مالی اتحادیه ها را منع کرده اند بیشتر هستند، اما سهم هر دو مورد ۲۲ الی ۲۶ درصد است. برای تمامی سوال ها، سهم کشورهایی که بر کمک های مالی محدودیت کیفی اعمال می کنند در بانک داده های فعلی نسبت به بانکی که در سال ۲۰۰۳ ایجاد شده بود بیشتر است. در برخی موارد، سهم آن مورد خاص بیش از دو برابر شده است. این نشان می دهد که قوانینی از این دست طی دهه گذشته که این بانک اطلاعاتی تهیه شده، به شدت محبوبیت یافته است. اما، هنگام تعبیر و تفسیر این بانک اطلاعاتی باید بسیار دقت کرد، بویژه به این دلیل که بانک داده های جدید ۷۹ کشور دیگر را نیز دربر می گیرد و پرسش های متفاوت و دستورالعمل دیگری را اعمال می کند.

سوال ۱۲ هرگونه ممنوعیت بر اهدای کمک مالی را مورد پرسش قرار می دهد که در سوالات قبلی نبوده است. هدف از این سوال درک قوانینی است که هنگام طراحی بانک داده های اولیه مورد ملاحظه قرار نگرفته بود (سوال های ۲۶ در بخش ۱-سی و ۴۲ در بخش ۱-جی را ببینید). در این مورد، رایج ترین ممنوعیت اضافی بر موسسات حقوقی اعمال می شود- به عبارت دیگر، تمامی سازمان ها و موسساتی که شخصیت حقوقی دارند. کشورهایی چون کرواسی، قرقیزستان، و مغولستان شرکت ها و اشخاصی را از اهدای کمک مالی منع می کنند که دارای مشکلات مالیاتی هستند. همزمان برخی کشورها دیگر مثل ارمنستان، بلژیک، تیمور شرقی، اکوادور، و روسیه، سازمان های مذهبی و خیریه را از اهدای پول به امور مربوط به سیاست منع می کنند.

ممنوعیت های دیگر برای توقف کمک های مخفیانه یا غیرمستقیم وضع شده اند. مثلا، برخی کشورها کمک مالی نهادهایی که برای مدت زمان مشخصی موجودیت نداشته اند را منع می کنند تا به این ترتیب جلوی موسسات خلق اساعه ای را بگیرند که کمی قبل از انتخابات برای ایجاد کانال واریز پول راه می افتند. اهدای کمک توسط افراد زیر سن قانونی نیز منع می شود تا بزرگسالان نتوانند از طریق فرزندانشان به احزاب سیاسی پول واریز کنند. در واقع این تمهید برای جلوگیری از واریز پول توجیبی کودکان به احزاب نیست.

برخی ممانعت های غیر معمول نیز ثبت شده است. مثلا پنج کشور آرژانتین، بلغارستان، کلمبیا، هندوراس، و پاراگوئه کمک پولی سازمان های مرتبط با قمار به برنامه های سیاسی را می کنند، احتمالا به این دلیل که این اماکن نتوانند درباره نتایج انتخابات شدد بندی راه بیاندازند. در برزیل باشگاه های ورزشی و در عراق گروه های شبه نظامی حق کمک مالی به برنامه های سیاسی را ندارند. بانک های لیبریا و گروه های تروریستی ماداگاسکار و اوگاندا نیز مجاز به پرداخت کمک مالی نیستند. آلمان هرگونه کمک پولی را که به طمع امتیاز مالی یا سیاسی باشد یکسره ممنوع می کند. اعمال ممنوعیت اهدای پول غیرقانونی در چندین کشور جهان بویژه دشوار است، مثلا در اندونزی قانون می گوید که اهدای کمک مالی باید بر اساس «اصول شرافتمندانه، داوطلبانه، عدالت، شفافیت، حس مسئولیت، مبتنی بر داخل کشور و مستقل از احزاب سیاسی» باشد.

و بالاخره، برخی حاکمیت ها به شدت قوانین محدود کننده دارند. در سیرالئون، تنها افرادی که برای رای دادن ثبت نام کرده اند، می توانند کمک مالی اهدا کنند و در گینه بیسائو و بوتان تنها اعضای احزاب سیاسی حق اهدای کمک دارند. جدول ۲ اطلاعات جهانی درباره ممنوعیت در اهدای کمک مالی به فرایندهای سیاسی را خلاصه کرده است.

جدول ۲. نتایج محدودیت کمک مالی

| شماره | سوال | بله | خیر | خیر، اما سقف بله، وجود دارد | درجه R |
|-------|--|-----|-----|-----------------------------|--------|
| ۱ | آیا بر کمک مالی نهادهای خارجی به احزاب سیاسی محدودیتی وجود دارد؟ | ۶۸٪ | ۲۸٪ | نامرتب | ۳۶٪ |
| ۲ | آیا بر کمک مالی نهادهای خارجی به کاندیداهای سیاسی محدودیتی اعمال می شود؟ | ۵۱٪ | ۴۱٪ | نامرتب | نامرتب |
| ۳ | کمک مالی شرکت های بزرگ به احزاب سیاسی ممنوع است؟ | ۲۲٪ | ۷۸٪ | نامرتب | ۱۹٪ |
| ۴ | کمک مالی شرکت های بزرگ به کاندیداها ممنوع است؟ | ۲۲٪ | ۷۸٪ | نامرتب | نامرتب |
| ۵ | کمک مالی شرکت های طرف قرارداد دولت با نیمه دولتی به احزاب سیاسی ممنوع است؟ | ۴۶٪ | ۵۴٪ | نامرتب | ۲۴٪ |
| ۶ | کمک مالی شرکت های طرف قرارداد دولت یا نیمه دولتی به کاندیداها ممنوع است؟ | ۳۸٪ | ۶۲٪ | نامرتب | نامرتب |
| ۷ | کمک مالی اتحادیه های کارگری به احزاب سیاسی ممنوع است؟ | ۲۶٪ | ۷۴٪ | نامرتب | ۱۵٪ |
| ۸ | کمک مالی اتحادیه های کارگری به کاندیداها ممنوع است؟ | ۲۴٪ | ۷۶٪ | نامرتب | نامرتب |
| ۹ | کمک مالی منابع ناشناس به احزاب سیاسی ممنوع است؟ | ۵۵٪ | ۳۲٪ | ۱۳٪ | ۴۱٪ |
| ۱۰ | کمک مالی منابع ناشناس به کاندیداها ممنوع است؟ | ۴۴٪ | ۱۵٪ | نامرتب | ۷۲٪ |
| ۱۱ | آیا اعطای منابع دولتی به احزاب سیاسی یا کاندیداها ممنوع است؟ (غیر از بودجه عمومی قانونی) | ۸۵٪ | ۱۵٪ | نامرتب | نامرتب |
| ۱۲ | آیا ممنوعیت دیگری بر دیگر اشکال کمک مالی وجود دارد؟ | ۴۹٪ | ۵۱٪ | نامرتب | ۲۶٪ |

درصدهای ارائه شده در این جدول بر اساس شمار کلی پاسخ های معتبر برای هر کدام از سوال ها بود و نه الزاما بر اساس شمار کلی کشورهای لحاظ شده در بانک داده ها.

بانک داده های اطلاعاتی فعلی میان قوانین مرتبط با احزاب سیاسی و کاندیدها تفاوت قائل است. این تفاوت گذاری دلایلی دارد و یکی از مهمترین این دلایل، نگرانی از این امر است که بی قانونی در احزاب سیاسی و یا کاندیدها می تواند مفری برای کاهش اعتبار آن دیگری شود. مثلا، اگر کمک شرکت های بزرگ به احزاب سیاسی ممنوع باشد اما چنین ممنوعیتی بر کاندیدا نباشد، احزاب سیاسی به راحتی می توانند محدودیت ها را دور بزنند و از شرکت ها بخواهند که وجوهشان را مستقیما به کاندیدها بپردازند.

یک دلیل دیگر این است که در برخی کشورها تمرکز انتخاباتی بیشتر بر کاندیدهاست تا احزاب سیاسی، و هدف از تشکیل بانک اطلاعاتی بررسی شرایط واقعی حاکم بر کشورها است. بانک داده ها نشان می دهد که گاهی میان احزاب سیاسی و کاندیدها اختلافات چشمگیر وجود دارد. از میان تمامی اشکال ممنوعیت، محدودیت ها بیشتر برای احزاب سیاسی است تا کاندیدها. کمک های مالی منابع ناشناس به احزاب در ۵۵ درصد کشورها ممنوع است، اما همین ممنوعیت برای کاندیدها ۴۴ درصد است. همینطور، ممنوعیت کمک های خارجی به احزاب سیاسی در ۶۸ درصد کشورها وجود دارد اما تنها ۵۱ درصد از کشورها این ممنوعیت را بر کاندیدها اعمال می کنند.

از سوی دیگر در مورد برخی قوانین خاص، احزاب سیاسی و کاندیدها عموما یکسانند. مثلا، اختلاف میان احزاب و کاندیدها درباره ممنوعیت کمک مالی اتحادیه های کارگری از ۲ درصد فراتر نمی رود.

تحلیل منطقه ای

به طور کلی، ممنوعیت های کمک مالی که در بیش از نیمی از کشورهای قاره آمریکا، آسیا و اروپا اعمال می شود، در آفریقا کمتر است (حدود ۳۰ درصد کشورها) و در اقیانوسیه به شکلی چشمگیر کاهش می یابد (۹ درصد). جدول ۳ تفاوت های منطقه ای میان محدودیت ها بر سر امور مالی بخش سیاسی را خلاصه می کند. یک عامل کاملا متفاوت در میان مناطق، اعمال محدودیت کمک های مالی بر احزاب سیاسی و نامزدها است. در آسیا و اروپا، تکرار یک ممنوعیت کمک مالی خاص بر احزاب سیاسی متناسب است با میزان ممنوعیت همان کمک بر کاندیدها. اما در آفریقا، بیشتر ممنوعیت ها برای احزاب سیاسی است تا کاندیدها.

به عنوان مثال، در آفریقا کمک های مالی خارجی، شرکت ها، و منابع نامشخص برای احزاب سیاسی دو برابر نامزدها است. در نتیجه می شود فرض کرد وقتی که نظام انتخاباتی بیشتر بر احزاب سیاسی تکیه می کند تا کاندیدها، تمرکز محدودیت ها بیشتر بر احزاب سیاسی است، همین امر در نظام انتخاباتی نمایندگی تناسبی (پی آر) نیز حاکم است. اما این توضیح در مورد آفریقا صدق نمی کند، چرا که نظام های انتخاباتی نمایندگی تناسبی در آفریقا نسبت به بقیه جهان رواج کمتری دارد.

در همین راستا نشانه های بارزی وجود دارد مبنی بر این که اقتصاد انتخاباتی در بسیاری از کشورهای آفریقایی عمدتا از طریق کاندیدها صورت می گیرد و نه احزاب، به استثنای دوره انتخابات ریاست جمهوری. در نتیجه اعمال ممنوعیت کمک مالی به احزاب سیاسی و نه کاندیدها بعید است که تاثیر چشمگیری بد جنبه مالی سیاست های انتخاباتی آفریقا داشته باشد. در واقع، شاید قوانین و مقررات برای بخشیدن وجهه کنترل پول در سیاست، وضع و تعیین شده باشند اما همین قوانین به نحوی تنظیم شده اند که اهداف و برنامه های سیاستمدارانی که آن ها را مقرر کرده اند، به خطر نیافتند.

جدول ۳. تحلیل منطقه ای منع کمک های مالی

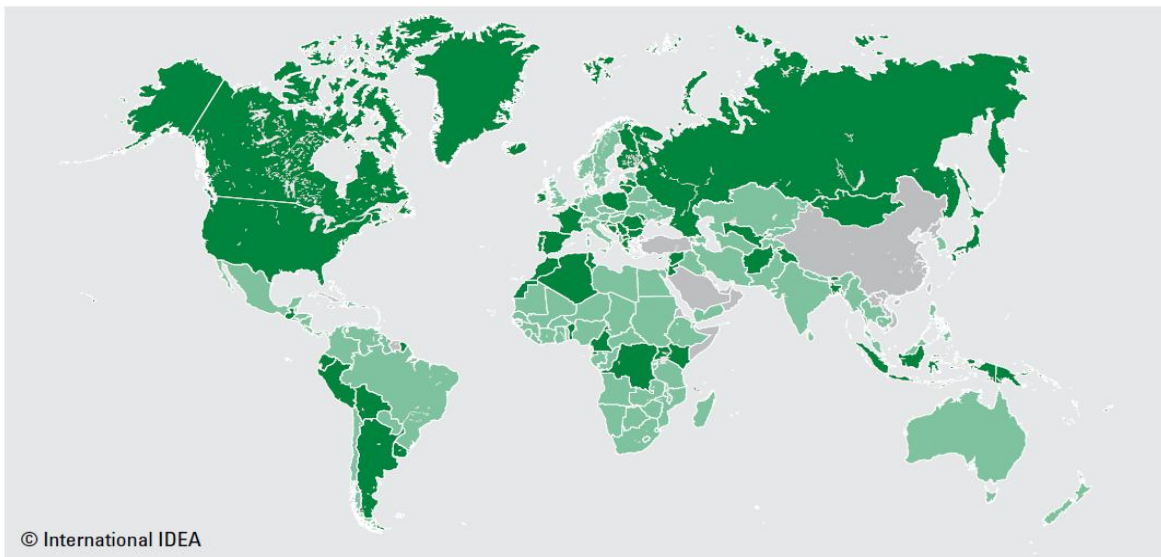
| شماره | سوال | آفریقا | آمریکا | آسیا | اروپا | اقیانوسیه |
|-------|---|--------|--------|------|-------|-----------|
| ۱ | آیا بر اهدای کمک مالی خارجی به احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۶۴% | ۷۲% | ۸۹% | ۶۹% | ۹% |
| ۲ | آیا بر اهدای کمک مالی خارجی به کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۳۵% | ۶۴% | ۶۵% | ۶۰% | ۱۰% |
| ۳ | آیا بر اهدای کمک مالی شرکت های بزرگ به احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۲۲% | ۲۳% | ۲۸% | ۲۳% | ۰% |
| ۴ | آیا بر اهدای کمک مالی شرکت های بزرگ به کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۹% | ۴۲% | ۳۱% | ۲۳% | ۰% |
| ۵ | آیا بر اهدای کمک مالی شرکت های طرف قرارداد دولت یا نیمه دولتی بر احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۲۸% | ۲۶% | ۵۱% | ۷۰% | ۰% |
| ۶ | آیا بر اهدای کمک مالی شرکت های طرف قرارداد دولت یا نیمه دولتی بر کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۱۷% | ۶۳% | ۴۴% | ۵۱% | ۰% |
| ۷ | آیا بر اهدای کمک مالی اتحادیه های کارگری بر احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۱۵% | ۳۳% | ۳۴% | ۳۳% | ۰% |
| ۸ | آیا بر اهدای کمک مالی اتحادیه های کارگری بر کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۱۱% | ۵۲% | ۲۷% | ۲۸% | ۰% |
| ۹ | آیا بر اهدای کمک مالی منابع ناشناس بر احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۵۱% | ۷۲% | ۸۱% | ۷۱% | ۹% |
| ۱۰ | آیا بر اهدای کمک مالی منابع ناشناس بر کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۲۴% | ۶۸% | ۶۰% | ۵۹% | ۱۳% |
| ۱۱ | آیا بر اهدای منابع دولتی به احزاب سیاسی یا کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ (به استثنا بودجه عمومی مقرر) | ۷۹% | ۷۴% | ۹۳% | ۹۲% | ۵۰% |
| ۱۲ | آیا ممنوعیت دیگری بر اشکال دیگر اهدای منابع مالی وجود دارد؟ | ۲۳% | ۷۲% | ۶۶% | ۶۳% | ۱۵% |

درصدهای این جدول نشان دهنده سهم کشورهای هر منطقه است که برایش پاسخ های مثبت به ثبت رسیده است. این درصدها بر اساس شمار کل پاسخ های معتبری است که برای هر سوال دریافت شده و الزاما شمار کل کشورهای لحاظ شده در بانک اطلاعاتی نیست.

ج) محدودیت های کمک مالی (سوال ۱۳ تا ۱۸)

توضیح داده ها:

- نرخ بسیار بالای پاسخ دهی: متوسط ۹۴ درصد و بالای ۹۰ درصد (۱) برای تمامی سوالات
- برای ۱۶۱ کشور (۹۰٪) داده ها برای تمامی سوالات در دسترس بود، و برای هفت کشور (۴٪) این اطلاعات به هیچ عنوان قابل دسترس نبود.
- به طور کلی این پرسش ها برخی مشکلات را از نظر تفسیر داده ها موجب شد، هرچند تفاوت میان محدودیت های انتخاباتی و غیرانتخاباتی هیچ وقت کاملاً روشن نبوده است.



این نقشه بر اساس اطلاعات جمع آوری شده تا فوریه ۲۰۱۲ تنظیم شده است. نقشه ها دائماً در بانک اطلاعاتی بروز می شوند. ببینید:

<http://www.idea.int/political-finance/question.cfm?field=263®ion=-1>

سوال: آیا مقدار پولی که کسی به یک حزب سیاسی طی یک مدت زمانی (نه الزاماً زمان انتخابات) پرداخت می کند محدودیت دارد؟

جواب:

سبز: بله

سبز کم رنگ: خیر

خاکستری: نامشخص

۱- رقم شاخص پاسخگویی به سوال های ۱۴، ۱۶ و ۱۸ دربرگیرنده کشورهایی است که این سوال های خاص درموردشان صدق نمی کرد. این وضع به دلیل پاسخ همان کشور به سوال های ۱۳، ۱۵ و ۱۷ است. مثلاً، اگر کشوری جواب دهد که هیچ محدودیت زمانی برای کمک به احزاب سیاسی وجود ندارد (سوال ۱۳)، پاسخ سوال ۱۴ (اگر بر میزان کمک مالی به یک حزب سیاسی در دوره زمانی خاص (نه الزاماً

زمان انتخابات) محدودیت اعمال می شود، آن محدودیت چقدر است؟) جواب این است: «نامرتب».

خلاصه

سری دوم پرسش ها در بانک داده های اطلاعاتی درباره مقرراتی است که تحت آن کمک های مالی به احزاب سیاسی و کاندیداها مستقیماً ممنوع نیست اما در معرض محدودیت های کمی است. سه نوع از این محدودیت ها در بانک داده های اطلاعاتی ذکر شده: (الف) سقف مقادیری که یک اهدا کننده می تواند در یک دوره زمانی مشخص به یک حزب سیاسی پول بدهد (معمولاً یک سال)، (ب) سقف مجاز اهدای پول به احزاب سیاسی مرتبط با انتخابات، و (ج) محدودیت پولی که به کاندیداها اهدا می شود. اکثر کشورها (۵۵ درصد) هیچ محدودیت کمی بر کمک های مالی اعمال نمی کنند. این شاید چندین دلیل داشته باشد. در برخی موارد می گویند که این کمک های مالی نوعی از آزادی بیان است که نباید محدود شود، این البته جدای از کمک های ممنوعه منابع (نامطلوب) است.

در موارد دیگری این تفاهم وجود دارد که در نبود نظارت موثر، مانند گزارش های مالی توسط یک نهاد قدرتمند، بسیار بعید است که به محدودیت های کمک مالی احترام گذاشته شود. و عدم نظارت بر قوانین و مقررات از بی قانونی مطلق بدتر است. احتمال سوم این است که مقررات مالی سیاسی معمولاً توسط افراد و چهره های سیاسی تایید می شود که مایل نیستند بر میزان بودجه در دسترس خودشان محدودیت اعمال کنند.

کشورهایی که اعمال محدودیت بر کمک های مالی در آنها رواج دارد، این نیز امری رایج است که محدودیت های اعمال شده بر احزاب سیاسی در مواقع خاص و یا در ارتباط با کمپین انتخاباتی افراد تشدید شود (۳۱ درصد هر کدام از موارد، و شماری از کشورها هر دو نوع را به کار می برند). ۲ این محدودیت بر پول اهدایی در ارتباط با کاندیداها انتخاباتی رواج کمتری دارد (۲۹ درصد).

کاربران بانک اطلاعاتی همچنین می توانند سطح سقف کمک ها را در کشورها و مناطق گوناگون مقایسه کنند. برای تسهیل کار، ارقام هم در واحد پولی کشورها و هم با دلار ذکر شده است. این سقف ها با جزئیات در اینجا بررسی نمی شود اما چند نکته را می توان ذکر کرد. اول این که برای توضیح سقف کمک ها دو روش وجود دارد: یا به عنوان یک مقدار ثابت پول و یا به عنوان حقوق حداقلی ملی و چند نوبته.

توضیح محدودیت های کمک های نقدی در شکل پرداخت های چندگانه حقوق حداقلی از مزیت محفوظ بودن در مقابل تورم برخوردار است، به این معنا که سقف آن تدریجاً و به مرور زمان ارزشش را از دست نمی دهد مگر آن که مقدماً دائماً تغییر کند. نکته دیگری که رایج است (هر چند نه به شکل بین المللی) این است که نهادهای حقوقی نسبت به افراد خصوصی مورد اعمال محدودیت بیشتری قرار گیرند.

راه های جایگزین دیگر از جمله وصل محدودیت به یک مقدار حقوق میانگین (این روش در صربستان استفاده می شود که اطلاعات رسمی برای تثبیت این میزان حقوق به کارگرفته می شود) و یا درصدی از مقدار کلی است که احزاب دریافت یا خرج می کنند (مانند روشی که در گواتمالا، مالدیو، و موریتانی

استفاده می شود). در کنیا، به عنوان یک مثال دیگر، یک حزب نمی تواند از هیچ نهادی کمکی بپذیرد که فراتر از ۵ درصد هزینه های آن حزب در سال قبل باشد .

برخی محدودیت های مربوط به کمک های مالی بویژه زیادی بالا یا پایین هستند. مثلا، نهادهای حقوقی در ازبکستان اجازه دارند رقمی برابر با ۵۰۰۰ حقوق سالانه حداقلی را به احزاب سیاسی اهدا کنند، این محدودیت در پرتغال تنها معادل ۲۵ حقوق سالانه است و در لهستان ۱۵ تا .

هرچند، رکورد بدون شک متعلق به روسیه با رقمی برابر ۱۰۰ هزار حقوق حداقلی سالانه برای نهادهای حقوقی است. چنین محدودیتی بعید است که اصولا تاثیری بر کاهش نفوذ اهداکنندگان پولدار بگذارد. برعکس، در بوسنی و هرزگوین، اشخاص حقوقی تنها می توانند رقمی معادل هشت حقوق میانگین سالیانه را به یک حزب سیاسی بدهند .

در مورد کشورهایی که محدودیت را رقم های ثابتی در پول ملی تعریف می کنند، میزان حداکثری سالانه ۶۰۰ دلار در بلژیک در مقایسه با اندونزی ناچیز می نماید. در اندونزی این میزان ۳۰۰ برابر بزرگتر است و افراد می توانند تا ۱۸۴ هزار دلار اهدا کنند. همزمان محدودیت سالانه کمک مالی در پاپوا گینه نو معادل ۴۷۱ هزار دلار است .

جدول ۴. نتایج محدودیت های کمک های مالی

| شماره | سوال | بله | خیر | بله، در بانک اطلاعات قدیمی | درجه R |
|-------|---|--------|--------|----------------------------|--------|
| ۱۳ | آیا بر میزان پولی که یک حامی مالی می تواند به حزب سیاسی در مدت زمان خاص پرداخت کند محدودیت وجود دارد؟ (نه الزاما زمان انتخابات) | ۳۱٪ | ۶۹٪ | ۳۶٪ | ۹۵٪ |
| ۱۴ | اگر بر میزان پولی که یک حامی مالی می تواند در زمانی خاص (نه الزاما زمان انتخابات) به یک حزب سیاسی پرداخت کند، محدودیت اعمال می شود، میزان محدودیت کدام است؟ | نامرتب | نامرتب | نامرتب | ۹۵٪ |
| ۱۵ | آیا میزان پولی که یک حامی مالی می تواند در ارتباط با انتخابات به یک حزب سیاسی پرداخت کند، سقف دارد؟ | ۳۱٪ | ۶۹٪ | ۱۹٪ | ۹۴٪ |
| ۱۶ | اگر پول پرداختی یک حامی مالی به یک حزب سیاسی در ارتباط با انتخابات، سقف دارد، محدوده آن سقف کدام است؟ | نامرتب | نامرتب | نامرتب | ۹۴٪ |
| ۱۷ | آیا میزان پولی که یک حامی مالی می تواند به یک کاندیدا اهدا کند سقف دارد؟ | ۲۹٪ | ۷۱٪ | ۲۴٪ | ۹۴٪ |
| ۱۸ | اگر پول پرداختی یک حامی مالی به یک کاندیدا سقف دارد، محدوده آن سقف کدام است؟ | نامرتب | نامرتب | نامرتب | ۹۲٪ |

درصد های ارائه شده در این جدول بر اساس شمار کلی پاسخ های معتبر برای هر کدام از سوال ها بود و

نه الزاما بر اساس شمار کلی کشورهای لحاظ شده در بانک داده ها.

احزاب سیاسی و کاندیداها

همانطور که در بالا گفته شد، عموماً تفاوت کمی میان قوانین و مقررات محدود کننده بر اهدای کمک مالی به احزاب و کاندیداها وجود دارد (به ترتیب ۳۱ درصد و ۲۹ درصد). این بالقوه مسئله مهمی است چرا که اگر یکی از زمینه ها تحت تاثیر محدودیت قانونی قرار گیرد، پول دهندگان می توانند کمک خود را به زمینه دیگر اهدا کنند. کلاً ۱۵ کشور هستند که اهدای پول را یا به ۱ کمپین احزاب سیاسی و یا به کاندیداها محدود می کنند.

محدودیت های دقیق پرداخت کمک به کاندیداها اغلب، بسته به نوع موقعیتی که کاندیداها بر سرش رقابت می کنند فرق می کند. به نظر عاقلانه می رسد زیرا کاندیداها ریاست جمهوری نسبت به کاندیداها انتخابات شوراها محلی، باید رای دهندگان بیشتری را متقاعد کنند. یک بار دیگر، کاربران بانک داده های اطلاعاتی می توانند این محدودیت را به تفصیل مقایسه کنند، هم از طریق پاسخ هایی که به سوال ۱۸ داده شده و هم از طریق نظرات تکمیلی برای کشورهای مختلف. همچنین توجه شود که شمار کمی از کشورها همان محدودیت هایی را که بر احزاب سیاسی اعمال می کنند بر کاندیداها نیز اعمال می کنند.

تحلیل منطقه ای

کشورهای موجود در قاره آفریقا و اقیانوسیه به ندرت کمک های مالی به احزاب سیاسی و کاندیداها را محدود می کنند. به استثنای محدودیت کمک سالانه به احزاب سیاسی آفریقایی، تنها در بیش از ۱۰ درصد کشورهای این دو منطقه محدودیتی اعمال می شود. در مقابل، در حدود نیمی از کشورهای اروپایی و یک سوم کشورهای قاره آمریکا و آسیا، این محدودیت ها اعمال می شود.

جدول ۵. تحلیل منطقه ای محدودیت بر کمک های مالی

| شماره | سوال | آفریقا | آمریک | آسیا | اروپا | اقیانوسیه |
|-------|--|--------|-------|------|-------|-----------|
| ۱۳ | آیا بر میزان پولی که یک حامی مالی می تواند به حزب سیاسی در مدت زمان خاص پرداخت کند محدودیت وجود دارد؟ (نه الزاما زمان انتخابات) | ۱۹٪ | ۲۵٪ | ۳۶٪ | ۴۹٪ | ۸٪ |
| ۱۴ | اگر بر میزان پولی که یک حامی مالی می تواند در زمانی خاص (نه الزاما زمان انتخابات) به یک حزب سیاسی پرداخت کند، محدودیت اعمال می شود، میزان محدودیت کدام است؟* | ۹٪ | ۳۸٪ | ۳۷٪ | ۵۳٪ | ۰٪ |
| ۱۵ | آیا میزان پولی که یک حامی مالی می تواند در ارتباط با انتخابات به یک حزب سیاسی پرداخت کند، سقف دارد؟ | ۹٪ | ۳۸٪ | ۴۰٪ | ۴۳٪ | ۹٪ |

*برای این سوال، ارقام مربوط به «بله» کشورهایایی را در بر می گیرد که به عنوان «محدودیت های معمول اعمال می شود» آماربندی شده اند.

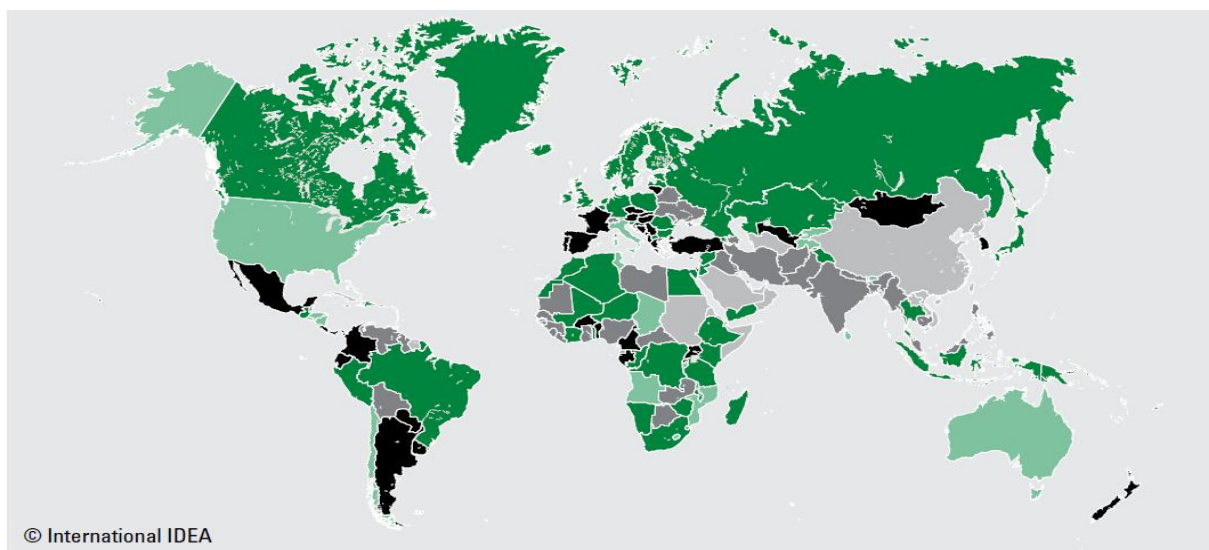
درصدهای این جدول نشان دهنده سهم کشورهای هر منطقه است که برایش پاسخ های مثبت به ثبت رسیده

است. این درصدها بر اساس شمار کل پاسخ های معتبری است که برای هر سوال دریافت شده و الزاما شمار کل کشور های لحاظ شده در بانک اطلاعاتی نیست.

د) تخصیص بودجه عمومی (سوال ۱۹ تا ۲۸)

نظرات بر بانک داده های اطلاعاتی:

- نرخ بسیار بالای پاسخ دهی: ۹۲٪ میانگین با نرخ بالای ۹۰٪ برای تمامی سوال ها
- برای ۱۴۱ کشور (۷۹٪) داده ها برای تمامی سوال ها در دسترس بود، و برای پنج کشور (۳٪) این اطلاعات یکسره در دسترس نبود.
- چالش برانگیزترین سوال (سوال ۲۸) به مزیت های دیگر مالی ارجاع داشت که برابری جنسیتی را ترغیب می کرد.
- این احتمال را نمی توان نادیده گرفت که شاید بر منابعی که در اختیار محققان قرار نگرفت محدودیت هایی وجود داشته.



© International IDEA

این نقشه بر اساس اطلاعات جمع آوری شده تا فوریه ۲۰۱۲ تهیه شده. نقشه ها دائما در بانک داده ها بروز می شوند. اینجا را ببینید : <http://www.idea.int/political-finance/question.cfm?field=270®ion=-1>

سوال: بودجه عمومی مستقیم به احزاب سیاسی

جواب:

سبز تیره: بله، دریافت بودجه منظم،

سبز روشن: بله، در ارتباط با کمپین ها،

خاکستری تیره: خیر

خاکستری روشن: نمی دانیم

خلاصه

سوالات بخش قبلی همگی درباره ممنوعیت و محدودیت بر سر راه اعطای بودجه بود. سوالات ۱۹ تا ۲۸ همگی درباره تخصیص منابع دولتی به احزاب سیاسی و کاندیداها است. ایده کلی پشت بودجه دولتی این است که فعالیت های سیاسی بدون پول میسر نیست، و تخصیص بودجه «منظم» می تواند کمکی باشد در راه کمک به ترغیب تکثرگرایی سیاسی و همزمان مقابله با نقش منفی پول در امور سیاسی. سوال های ۱۹ تا ۲۲ به مقررات درباره بودجه عمومی مستقیم است (تخصیص پول). قرار بر این شد تا تمرکز بر بودجه مستقیم به احزاب سیاسی باشد تا شمار سوال های موجود در بانک داده های اطلاعاتی کم شود. با آن که کشورهای هستند که در آن ها کاندیداها به شکل فردی بودجه های مستقیم عمومی دریافت می کنند (مانند کاندیداهاى انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا)، اما ظاهراً چنین سیستمی در کشورهای که به احزاب سیاسی بودجه می دهند، کمتر رواج دارد.

اولین یافته تحلیل اولیه از اطلاعات این است که ۶۸ درصد کشورها (۱۱۶ کشور) در بودجه عمومی مستقیم، مبالغی را برای احزاب سیاسی در نظر گرفته اند. این رقم کشورهایی را که در بخش «بله، ارائه منظم بودجه» و/یا «بله، در ارتباط با کمپین ها» طبقه بندی شده اند، نمایندگی می کند. این رقم در واقع بیش از رقم ۶۰ درصدی است که در گزارش اومان در سال ۲۰۱۱ و بر اساس اطلاعات جمع آوری شده شخصی از ۱۷۶ کشور است.

دو هدف عمده بودجه عمومی کمک به احزاب سیاسی است تا به عنوان موسسه عمل کنند و یا کمپین های انتخاباتی موثری را پیش ببرند. در راستای همین امر، بودجه عمومی مستقیم می تواند هم به شکل منظم پرداخت شود (سالانه یا ماهانه) و هم به شکل ویژه در جریان برگزاری کمپین. اطلاعات نشان می دهد که از میان کشورهای که از بودجه عمومی به احزاب کمک می کنند، پرداخت منظم پول رایج ترین روش است (که در ۶۰ کشور انجام می شود)، در حالی که ۱۹ کشور فقط به کمپین ها پول می دهند و ۳۷ کشور هم پرداخت های منظم و هم بودجه های مخصوص انتخابات دارند.

باید توجه کرد که زمان پرداخت پول با زمان مورد نظر برای استفاده آن متفاوت است. مثلاً، جایی که بودجه به شکل سالانه توزیع می شود، همچنان می تواند برای مقاصد کمپین مورد استفاده قرار گیرد، چنانچه بودجه استفاده نشده که برای کمپین توزیع شده، می تواند برای مقاصد دیگر حزب استفاده شود (سوال ۲۲ را ببینید). با تمام این ها، وقتی بودجه به شکل منظم پرداخت می شود، این احتمال بیشتر است که بودجه (دست کم بخشی از آن) برای مقاصد غیرانتخاباتی خرج شود.

بانک اطلاعاتی پیشنهاد می کند که هنگام طراحی نظام بودجه عمومی، یک سلسله سوال ها پاسخ داده شود که سه تا از مهمترین آن ها که در بانک داده ها ذکر شده را اینجا می آوریم:

- ۱- کدام احزاب سیاسی باید واجد شرایط گرفتن بودجه باشند؟
- ۲- بودجه موجود چگونه باید میان احزاب واجد شرایط تقسیم شود؟
- ۳- آیا بخشی یا تمامی بودجه برای هدف یا اهدافی خاصی در نظر گرفته شده است؟

در مورد سوال اول، برخی کشورها آستانه ای برای دسترسی به بودجه عمومی مستقیم در نظر نگرفته اند. در ۱۵ کشور جهان، ثبت نام به عنوان یک حزب سیاسی برای دسترسی به تمامی یا بخشی از بودجه

موجود کافی است، و در ۱۹ کشور جهان مشارکت در انتخابات تنها شرط است. در ال سالوادور و پاناما وضعیتی بینابینی است. در هر دو این کشورها بخشی از بودجه برای تمامی احزاب ثبت شده است، بخشی دیگر به مشارکت کنندگان در انتخابات تعلق می‌گیرد. این سیستم‌ها بدون شک بسیار انحصاری است اما منتقدان می‌گویند که این روش‌ها گسست در چارچوب حزب، و به شکل بالقوه تشکیل احزاب سیاسی را ترغیب می‌کنند که تنها هدفشان گرفتن بودجه دولتی است.

بنابراین اغلب کشورها نوعی آستانه را برای احزاب مدنظر قرار می‌دهند و احزاب موظفند حداقلی از محبوبیت را نشان دهند تا واجد شرایط دریافت بودجه عمومی شوند. رایج‌ترین راه اندازه‌گیری میزان محبوبیت، شمارش آرا یا کرسی‌هایی است که یک حزب برنده شده است، و یا در نظر گرفتن احزابی است که در یک نهاد منتخب (مانند پارلمان) نماینده دارند. کشورهایی که از چنین معیاری استفاده می‌کنند در جدول شماره ۶ نشان داده شده‌اند. از آنجا که برای ارائه بودجه‌های مختلف عمومی در یک کشور معیارهای مختلفی وجود دارد، شرایط استحقاقی احزاب نیز متفاوت است.

جدول ۶. انواع معیارهای شایستگی برای دریافت بودجه مستقیم عمومی

| معیارهای سنجش صلاحیت | شمار کشورها | اظهارات |
|-------------------------------------|-------------|--|
| سهم آرای کسب کرده در انتخابات قبلی | ۵۷ | تنها احزاب سیاسی که در انتخابات دوره قبل سهم مشخصی از آرای عمومی را بدست آورده‌اند واجد شرایط دریافت بودجه عمومی هستند. اغلب (و نه همیشه) این حد آستانه برای نمایندگی پارلمانی کمتر از این است. |
| سهم آرای کسب کرده در انتخابات آینده | ۸ | شبهه مورد بالا با این تفاوت که در برخی موارد وقتی پول پیش از انتخابات توزیع می‌شود، احزابی که نتوانند به حدنصاب آرا دست یابند مجبورند بودجه را برگردانند. |
| نمایندگی در نهاد منتخب | ۵۸ | فقط احزابی که دارای نمایندگی در نهادهای خاص منتخب هستند (عمدتا پارلمان) برای دریافت پول صلاحیت دارند. منتقدان این بند می‌گویند چنین حدنصابی می‌تواند ورود نیروهای سیاسی جدید به عرصه انتخاباتی را مشکل سازد. |
| سهم کرسی‌ها در انتخابات قبلی | ۹ | در این کشورها کسب نمایندگی سیاسی کافی نیست، احزاب باید برای آن‌که واجد شرایط شوند شمار مشخصی از کرسی‌ها را نیز به خود اختصاص دهند. |
| سهم کرسی‌ها در انتخابات آینده | ۲ | مانند مورد فوق، این معیار سنجش تنها در مواردی به کار گرفته می‌شود که توزیع بودجه پیش از انتخابات صورت می‌گیرد و احزابی که نتوانند شمار موردنیاز کرسی‌ها را بدست آورند باید پول دریافتی را پس بدهند. |
| شمار نامزدهای ارائه شده | ۹ | این کشورها می‌گویند تنها احزابی که شمار مشخصی نامزد ارائه دهد، و یا سهم مشخصی از نامزدهای کل منطقه خاصی را ارائه کند، در روند انتخاباتی برای دریافت بودجه عمومی، مشارکت دارند. |
| شمار اعضا | ۲ | احزاب سیاسی برای احراز صلاحیت گرفتن بودجه، باید شمار مشخصی عضو ثبت‌شده داشته باشند. |

جدول ۶ نشان می‌دهد که رایج‌ترین معیار استحقاقی سهم (یا شمار) آرای است که احزاب سیاسی در انتخابات جاری یا آینده به خود اختصاص می‌دهند، هرچند مورد انتخابات بعدی محبوبیت کمتری دارد. حد نصاب‌ها متفاوت است و از ۱۰۰ رای برای یک انتخابات خاص در دانمارک گرفته تا ۱۰ درصد آرای انتخابات در بنین، بوتان، چاد، ساحل عاج و مالاوی را دربرمی‌گیرد. بسیاری می‌گویند مورد دومی (یعنی ۱۰ درصد آرا) جنبه تکثرگرایی سیاسی را برآورده نمی‌سازد.

در مورد سوال دومی که در بالا آمده، زمانی که مشخص شد کدام احزاب واجد شرایط دریافت بودجه هستند، گام بعدی محاسبه چگونگی توزیع بودجه موجود است. یک روش افراطی تخصیص مساوی بودجه میان احزاب سیاسی واجد شرایط است. این روش بسیار همگرایانه است اما ممکن است از این منظر هدف انتقاد قرار گیرد که میزان محبوبیت تک به تک احزاب را نادیده می‌گیرد و بالقوه به گسست نظام حزبی منجر می‌شود. از آنجا که چنین سیستمی انگیزه مالی بازدارنده‌ای برای جلوگیری از پیوستن احزاب اپوزیسیون خلق می‌کند، دولت‌ها ممکن است این روش را ترجیح دهند.

روش دیگر اختصاص بودجه به احزاب به نسبت میزان محبوبیت آنهاست، که عموماً بر اساس سهم بردن رای یا کرسی سنجیده می‌شود. این روش به نفع احزابی است که از حمایت رای دهندگان برخوردارند اما اغلب، بخش چشمگیری از بودجه نصیب حزب دولت می‌شود در حالی که کمترین احتیاج را به بودجه اضافی دارد.

در هشت کشور جهان بودجه به شکل کاملاً مساوی میان احزاب تقسیم می‌شود و در ۵۱ کشور بودجه به نسبت میزان محبوبیت به احزاب اختصاص می‌یابد. در ۴۱ کشور هم بخشی از بودجه به شکل مساوی و بقیه به نسبت میزان محبوبیت میان احزاب تقسیم می‌شود، بنابراین روش دوم رواج بیشتری دارد.

جدول شماره ۷ اشکال مختلف معیارهای اختصاص بودجه را نشان می‌دهد. از آنجا که اغلب کشورها بیشتر از یک معیار سنجش دارند، شمار کلی ارقام جدول از شمار کلی کشورها که بودجه مستقیم عمومی دارند تجاوز می‌کند. این جدول نشان می‌دهد که رایج‌ترین معیارها برای اختصاص نسبی بودجه شمار آرای دریافتی و در درجه بعد، شمار کرسی‌های پارلمانی است. این دو در سیستم‌های انتخابات تناسبی مشابه‌اند، اما معیار شمار کرسی‌ها، معمولاً در نظام‌های انتخاباتی فردی به نفع احزاب بزرگتر تمام می‌شود. سیستم بازپرداخت سهمی از بودجه هزینه شده در کمپین انتخاباتی، که میان کاندیداهای انتخاباتی آمریکا امری رایج است، در شماری دیگر از کشورها تنها برای کمک به حزب هاست.

جدول ۷. انواع معیارهای تخصیص بودجه برای اعطای بودجه عمومی مستقیم

| معیارهای تخصیص بودجه | شمار کشورها | اظهارات |
|-------------------------------|-------------|--|
| مساوی | ۴۸ | تمامی احزاب سیاسی واجد شرایط بودجه یکسان می‌گیرند. |
| تناسب با کرسی‌ها | ۳۶ | بودجه به نسبت کرسی‌های برده شده توزیع می‌شود (پس اگر یک حزب ۱۵٪ کرسی‌ها را برنده شود، ۱۵٪ بودجه دولتی مستقیم را دریافت می‌کند). |
| تناسب با آرای دریافتی | ۵۴ | بودجه به نسبت آرای برده شده توزیع می‌شود (پس اگر یک حزب برنده ۱۵٪ آرا شود، ۱۵٪ بودجه مستقیم دولتی را نیز دریافت می‌کند). |
| نرخ ثابت بر اساس آرای دریافتی | ۱۷ | هر حزب در ازای هر رای که به حزب داده شود، مقدار مشخصی پول دریافت می‌کند. مثلاً اگر نرخ ثابت ۱ دلار برای هر رای‌دهنده باشد، حزبی که ۵۰۰ هزار رای بیاورد، ۵۰۰ هزار دلار هم بودجه دریافت می‌کند. |
| تناسب با کاندیداهای حزبی | ۶ | میزان تخصیص بودجه بر اساس شمار کاندیداهایی است که حزب ارائه می‌کند. ممکن است یک حزب برای هر کاندیدا نرخ ثابت دریافت کند. یعنی حزب متناسب با درصد کاندیداهایی که در مقابل بقیه کاندیداهای رقابت‌کننده، ارائه می‌دهد بودجه دریافت می‌کند (مثلاً اگر یک حزب ۱۰۰ کاندیدا دارد و شمار کلی نامزدها ۱۰۰۰ نفر است، آن حزب ۱۰٪ بودجه موجود را می‌گیرد). |
| سهم هزینه‌های | ۳ | حزب به تناسب تمامی یا بخشی از پولی که هزینه و خرج کرده است، بودجه دولتی دریافت |

| | |
|------------|--|
| بازپرداختی | می‌کند (که تا سقف مشخصی است). |
| شمار اعضا | ۲ حزب در ازای میزان مشخصی از اعضای ثبت‌شده، پول می‌گیرد. |

در رابطه با سوال سوم و آخر فوق، حداکثر کوچکی از کشورها هیچ بودجه مخصوصی ندارند که از قبل بودجه عمومی تامین شود. از میان ۱۱۱ کشوری که اطلاعاتشان در دسترس است، ۵۲ درصد بودجه عمومی اختصاص نمی‌دهند. از میان کشورهای دارای بودجه عمومی، ۲۲ کشور بخشی از بودجه عمومی را به کمپین‌های انتخاباتی و بخشی را به فعالیت‌های جاری اختصاص می‌دهند. در کل ۱۶ کشور اجازه می‌دهند که بودجه عمومی صرف کمپین شود، در حالی که ۹ کشور این بودجه را برای فعالیت‌های غیرانتخاباتی مجاز می‌دانند.

انواع دیگری از تخصیص بودجه نیز وجود دارد، مثلاً این که این بودجه تنها در زمینه مناسبات بین المللی، آموزش امور مدنی و یا اهداف تحقیقاتی صرف شود. در برخی کشورها همچنین لازم است که بخشی از بودجه عمومی برای تقویت موسساتی خاص در احزاب سیاسی صرف شود، مثل بخش زنان (بخش بودجه عمومی و برابری جنسیتی را ببینید).

بانک داده‌ها، اطلاعاتی نیز در مورد بودجه عمومی غیرمستقیم دارد- که حمایت غیرپولی دولت‌ها از احزاب سیاسی است. با در نظر گرفتن نقش فزاینده رسانه در کمپین‌های انتخاباتی سراسر جهان، اختصاص رایگان یا سوبسیدبندی شده احزاب سیاسی و کاندیداها به رسانه‌ها، بخشی ویژه در این میان است. بیش از دو سوم کشورها دسترسی به رسانه‌ها را برای احزاب سیاسی میسر می‌سازند، در حالی که نیمی از کل کشورهایی که اطلاعاتشان در دسترس است، این دسترسی به رسانه‌ها را برای کاندیداها امکان‌پذیر می‌سازند. هرچند باید متذکر شد که احزاب سیاسی در بیشتر موارد می‌توانند زمان به روی آنتن رفتن رسانه‌ها، میان کاندیداها خود توزیع کنند.

مسئله دیگر چگونگی تخصیص زمان میان احزاب سیاسی مختلف است. زمان آنتن پخش رسانه‌ها، چه رایگان و چه سوبسیددار معمولاً به شکل مساوی میان کاندیداها تقسیم می‌شود. زمان نیز مانند بودجه عمومی می‌تواند به شکل مساوی و یا با در نظر گرفتن میزان محبوبیت احزاب به آن‌ها اختصاص یابد. اگر تمامی احزاب زمان پخش مساوی دریافت کنند و از طرفی شمار احزاب ثبت شده سیاسی زیاد باشد، میزان موفقیت در جلب توجه مخاطبان در این برنامه‌های خبری کاهش می‌یابد.

بانک داده‌ها نشان می‌دهد که ۶۱ درصد کشورهایی که زمان رسانه‌ها رایگان یا سوبسیددار ارائه می‌دهند، این زمان را به شکل مساوی تقسیم می‌کنند، ۲۴ درصد این زمان را کاملاً به نسبت میزان محبوبیت به احزاب اختصاص می‌دهند و بقیه مخلوطی از دو روش فوق را به کار می‌گیرند. در مورد معیارهای سنجش میزان محبوبیت احزاب، ۱۶ کشور سهم کرسی‌های حزب‌ها، و ۱۴ کشور شمار کاندیداها را ارائه شده احزاب را در نظر می‌گیرند. هشت کشور نیز میزان آرای هر حزب در انتخابات قبلی را در نظر می‌گیرند. برخی کشورها معیارهای دیگری را در مورد تخصیص زمان رسانه‌ها در نظر می‌گیرند و از همین رو، معیارهای فوق کاملاً انحصاری نیست.

غیر از اختصاص زمان پخش رسانه‌ها، بانک داده‌ها اطلاعاتی درباره انواع دیگر بودجه عمومی غیرمستقیم را نیز در برمی‌گیرد که در ۶۸ درصد کشورهایی که اطلاعات در دسترس دارند مورد استفاده قرار می‌گیرد. جدول شماره ۸ رایج‌ترین انواع این جور کمک‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۸. انواع بودجه‌های عمومی غیرمستقیم

| شمار کشورها | انواع بودجه عمومی غیرمستقیم |
|-------------|---|
| ۶۱ | بخشودگی مالیاتی احزاب سیاسی یا کسانی که به احزاب کمک مالی می‌دهند |
| ۲۸ | پیش‌فرض برای ملاقات‌های کمپینی |
| ۱۳ | فضا برای ارزیابی محتوای کمپین |
| ۱۳ | امکانات پستی رایگان یا سوبسیدی |
| ۹ | تسهیلات حمل و نقل رایگان یا سوبسیدی |

بانک داده‌های اطلاعاتی حاوی برخی مثال‌های جالب از بودجه غیرمستقیم است. در بوتان، پایوآ گینه نو و ژاپن، نهاد مدیریت انتخابات پوسترهای احزاب سیاسی چاپ می‌کند، و احزاب تیمور شرقی از هزینه‌های دادگاهی معاف می‌شوند. قانون اوگاندا نیز دسترسی نامحدود به «منابع عمومی» را برای احزاب سیاسی مجاز می‌داند.

بودجه دولتی و برابری جنسیتی

دو سوال موجود در بانک داده‌ها، مستقیماً به مسئله استفاده از مقررات مالی سیاسی و رسمی در جهت افزایش برابری جنسیتی میان کاندیداهای انتخاباتی و در داخل احزاب سیاسی می‌پردازد. سوال ۲۷ می‌پرسد که آیا اختصاص بودجه مستقیم به برابری جنسیتی در میان کاندیداهای ارتباطی دارد و این که آیا از احزابی که به برابری جنسیتی احترام می‌گذارند قدردانی می‌شود و برعکس احزابی که برای این مسئله احترامی ندارند تنبیه می‌شوند؟ چنین رویکردی به برابری جنسیتی می‌تواند از طریق «کاهش بودجه عمومی به احزابی که معیارهای تثبیت شده را نقض می‌کنند، (و یا) اختصاص بودجه بیشتر به احزابی که به معیارها پایبندند» اجرا شود (این دو راه ممکن است در عمل تفاوت چندانی نداشته باشند)، (اومان ۲۰۱۱: ۷). در برخی موارد احزابی که به پیش‌نیازها عمل نمی‌کنند کلاً از بودجه عمومی محروم می‌شوند. معیار مورد نظر در اینجا یا به عنوان «کمترین سهم برابری جنسیتی در کاندیداهای»، و یا «شکاف زیاد میان دو جنسیت» تعریف می‌شود.

۱۶ کشور جهان هستند که تخصیص بودجه عمومی مستقیم را به میزان برابری جنسیتی در میان کاندیداهای منوط کرده‌اند: بوسنی و هرزگوین، کلمبیا، کرواسی، اتیوپی، فرانسه، گرجستان، هائیتی، ایتالیا، کنیا، کره جنوبی، مالی، نیجر، پایوآ گینه نو، پرتغال، رومانی و صربستان. این کشورها ۹ درصد تمامی کشورهای موجود در بانک داده‌ها و ۱۳ درصد کشورهای را تشکیل می‌دهند که بودجه عمومی مستقیم دارند. ممکن است تعداد این کشورها زیاد به نظر نرسد اما همین ابزاری است برای افزایش برابری جنسیتی که محبوبیتش در اغلب مناطق جهان رو به افزایش است.

به علاوه، این پرسش نیز وجود دارد که آیا مشوق‌های مالی دیگری برای افزایش برابری جنسیتی در احزاب سیاسی وجود دارد؟ تحقیقات نشان داده است که چندین کشور مشوق‌هایی از این دست را ارائه می‌دهند، که رایج‌ترینش ارائه بودجه به خاطر فعالیت‌های مرتبط با برابری جنسیتی در برزیل، کلمبیا، ایتالیا، کره جنوبی، مکزیک، مراکش و پاناما است. در فنلاند بودجه مستقیماً به شاخه زنان احزاب داده می‌شود، و احزاب هندوراس موظفند سیاست‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی را به نهاد مدیریت انتخابات بفرستند در غیر این صورت باید با خطر از دست دادن بودجه عمومی مواجه شوند. در کوستاریکا، احزاب باید

ثابت کنند که میزان هزینه مصرف شده آموزش به شکل برابر میان دو جنسیت بوده است .

جدول شماره ۹ نشان می‌دهد در کشورهای دارای این نوع مقررات شمار زنان عضو پارلمان در مقایسه با میانگین منطقه‌ای، با اختلاف کوچک، اندکی کمتر است (به طور میانگین ۳ درصد). از آنجا که این مقررات در بسیاری از کشورها جدید هستند و حداکثر در یک یا دو دور انتخابات تجربه شده‌اند، نتایج فوق چیزی را ثابت نمی‌کند. به عبارت دیگر، این احتمال وجود دارد که سیاست‌هایی از این دست در کشورهایی موضوعیت یابد که نهادهای منتخبشان نابرابری جنسیتی بیشتری را تجربه می‌کند . تنها از طریق تحقیقات عمیق است که می‌توان به میزان افزایش برابری جنسیتی در میان کاندیداها، در نتیجه ارائه بودجه پی برد؛ و نتیجه‌گیری قطعی هم میسر نیست مگر با برگزاری چندین دوره انتخابات. در نتیجه وابستگی نسبی احزاب سیاسی به بودجه عمومی نسبت به بودجه خصوصی، احتمالاً عاملی مهم در توضیح میزان تاثیرگذاری اصلاحاتی از این دست است .

جدول ۹. سهم زنان در پارلمان کشورهایایی که بودجه عمومی به برابری جنسیتی مرتبط است

| میانگین منطقه ای | سهم زنان در پارلمان تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ | آیا برای ترغیب برابری جنسیتی در احزاب سیاسی دیگر مشوق‌های مالی وجود دارد؟ | آیا ارائه بودجه عمومی به احزاب به برابری جنسیتی میان کاندیداها ربط دارد؟ | |
|------------------|---------------------------------------|---|--|-----------------|
| ۲۱% | ۲۱% | خیر | بله | بوسنی و هرزگوین |
| ۲۳% | ۹% | بله | خیر | برزیل |
| ۲۳% | ۱۲% | بله | بله | کلمبیا |
| ۲۱% | ۲۴% | خیر | بله | کرواسی |
| ۲۰% | ۲۸% | خیر | بله | اتیوپی |
| ۲۱% | ۴۳% | بله | خیر | فنلاند |
| ۲۱% | ۱۹% | خیر | بله | فرانسه |
| ۲۳% | ۴% | خیر | بله | هائیتی |
| ۲۳% | ۲۰% | بله | خیر | هندوراس |
| ۲۱% | ۲۲% | بله | بله | ایتالیا |
| ۲۰% | ۱۰% | خیر | بله | کنیا |
| ۱۸% | ۱۵% | بله | بله | کره جنوبی |
| ۲۰% | ۱۰% | خیر | بله | مالی |
| ۲۳% | ۲۶% | بله | خیر | مکزیک |
| ۱۱% | ۱۷% | بله | خیر | مراکش |
| ۲۰% | ۱۳% | خیر | بله | نیجر |
| ۲۳% | ۹% | بله | خیر | پاناما |
| ۱۲% | ۱% | خیر | بله | پاپوا گینه نو |
| ۲۱% | ۲۹% | خیر | بله | پرتغال |

| | | | | |
|---------|-----|-----|-----|-----|
| رومانی | بله | خیر | %۱۱ | %۲۱ |
| صربستان | بله | خیر | %۲۲ | %۲۱ |

جدول ۱۰ نشان‌دهنده پاسخ‌های جهانی به سوالات درباره بودجه عمومی است. اطلاعات دقیق بیشتر در بانک داده‌های اطلاعاتی موجود است.

جدول ۱۰. نتایج درباره ارائه بودجه عمومی

| شماره | سوال | بله | خیر | بله در جدول داده‌های قدیمی | درجه R |
|-------|---|----------|----------|----------------------------|--------|
| ۱۹ | آیا تدارکی برای ارائه بودجه عمومی به احزاب سیاسی وجود دارد؟ | %۶۸ | %۳۲ | %۵۸ | %۹۶ |
| ۲۰ | در صورت وجود تدارک اعتبار برای بودجه مستقیم عمومی به احزاب، معیارهای شایستگی کدامند؟ | غیرمرتبط | غیرمرتبط | غیرمرتبط | %۹۲ |
| ۲۱ | در صورت وجود تدارک اعتبار برای بودجه مستقیم عمومی به احزاب، معیار محاسبه بودجه مقرری چیست؟ | غیرمرتبط | غیرمرتبط | غیرمرتبط | %۹۱ |
| ۲۲ | در صورت وجود تدارک اعتبار برای بودجه مستقیم عمومی به احزاب سیاسی، مقرراتی برای چگونگی استفاده از آن هم وجود دارد؟ | %۴۸ | %۵۲ | غیرمرتبط | %۹۳ |
| ۲۳ | آیا تدارک اعتباری برای دسترسی رایگان یا سوبسیددار احزاب به رسانه‌ها وجود دارد؟ | %۶۹ | %۳۱ | %۶۳ | %۹۲ |
| ۲۴ | اگر تخصیص اعتباری برای دسترسی رایگان یا سوبسیددار احزاب به رسانه‌ها وجود دارد، معیارهای این دسترسی کدامند؟ | غیرمرتبط | غیرمرتبط | غیرمرتبط | %۹۱ |
| ۲۵ | آیا تدارک اعتباری برای دسترسی رایگان یا سوبسیددار کاندیدها به رسانه‌ها وجود دارد؟ | %۵۰ | %۵۰ | غیرمرتبط | %۹۱ |
| ۲۶ | آیا اعتبار دیگری برای انواع دیگر بودجه عمومی غیرمستقیم وجود دارد؟ | %۶۸ | %۳۲ | غیرمرتبط | %۹۰ |
| ۲۷ | آیا اعتباری از بودجه مستقیم عمومی به احزاب سیاسی وجود دارد که با برابری جنسیتی در میان کاندیدها مرتبط باشد؟ | %۱۳ | %۸۷ | غیرمرتبط | %۹۴ |
| ۲۸ | آیا اعتبارات دیگری به شکل مشوق‌های مالی در نظر گرفته شده که برابری جنسیتی در احزاب سیاسی را ترغیب کند؟ | %۷ | %۹۳ | غیرمرتبط | %۹۱ |

تذکر: درصد‌های این جدول بر اساس شمار کلی پاسخ‌های معتبر برای هر سوال است و نه شمار کلی کشورهای لحاظ شده در داده‌ها.

تحلیل منطقه‌ای

ارائه بودجه مستقیم عمومی به احزاب سیاسی، غیر از کشورهای منطقه اقیانوسیه تقریباً در اکثریت کشورها در تمامی مناطق جهان انجام می‌شود. بعد از اروپا، آفریقا بالاترین حد کشورهایی را دارد که

بورجه مستقم دریافت می‌کنند، در حالی که کشور های آمریکایی با آن که اولین منطقه بود که این بودجه را معرفی کرد، اما در این زمینه عقب می‌ماند. وجود بودجه عمومی مستقیم را نباید با سطح وابستگی به بودجه عمومی اشتباه گرفت؛ در بسیاری از کشور های آفریقایی میزان بودجه عمومی موجود آنقدر کم است که بر سیاست های ملی یا تاثیری ندارد یا تاثیر بسیار اندکی دارد.

علی‌رغم اهمیت رسانه در بسیاری از کمپین های انتخاباتی آمریکای لاتین، تقریباً تعداد کمی از کشور های آمریکای لاتین هستند که دسترسی رایگان یا سوبسید بندی شده به رسانه را فراهم می‌سازند، دست کم در مقایسه با کشور های آفریقایی، آسیایی و اروپایی. با آن که کاندیداها در کشور های آمریکایی به ندرت زمان آنتن رایگان می‌گیرند، نباید فراموش کرد که آنها می‌توانند از زمان آنتن رسانه‌ای که حزب متبوعشان در اختیار می‌گذارد بهره جویند. این هم جالب است که آفریقا قاره‌ای است که بیشترین تعداد کشور هایی را دارد که زمان آنتن رایگان به احزاب سیاسی و کاندیداها می‌دهند. البته بخشی از دلیل در این حقیقت نهفته است که ارائه زمان رسانه‌ای نوع نسبتاً ارزانی از ارائه بودجه عمومی است.

انواع دیگر بودجه های عمومی مانند بخشودگی مالیاتی و ارائه سالن های اجتماعات با قیمت سوبسیدی در اروپا امری عادی است. داده‌ها حاکی است که تنها سه کشور در جهان چنین امکاناتی نمی‌دهند. در مقابل، این امکانات تنها در نیمی از کشور های قاره آفریقا و آسیا وجود دارد.

از لحاظ مقررات مالی سیاسی و برابری جنسیتی (سوال ۲۷ و ۲۸)، اقیانوسیه و قاره آمریکا با داشتن دو برابر جواب های مثبت نسبت به دیگر مناطق جهان، از بقیه جدا می‌شوند. در مورد اقیانوسیه این تنها یک جهش آماری است چرا که از سه کشوری که اطلاعاتشان موجود است، تنها یک کشور (پاپوآ گینه نو) ارائه بودجه عمومی را به برابری جنسیتی در میان نامزدها ربط داده است. به عبارت دیگر، علی‌رغم درصدهای نشان داده شده در جدول ۱۱، منطقه اقیانوسیه از لحاظ ارتباط مسئله مالی سیاسی با برابری جنسیتی، معمولاً جای دلخواهی نیست.

در مورد قاره آمریکا، به نظر می‌رسد که این منطقه بیش از جاهای دیگر جلو است چرا که نیمی از کشور های جهان که از دیگر مشوق های مالی-بویژه اختصاص بخش هایی از بودجه عمومی به فعالیت های مرتبط با جنسیت- برای ترغیب برابری جنسیتی استفاده می‌کنند در آمریکا هستند. در بسیاری از موارد، این اصلاحات حتی از نظر زمانی نیز فراتر از دیگر مناطقی هستند که اقدامات مشابه دارند.

جدول ۱۱. تحلیل منطقه‌ای مقررات بودجه عمومی

| شماره | سوال | آفریقا | آمریکا | آسیا | اروپا | اقیانوسیه |
|-------|--|--------|--------|------|-------|-----------|
| ۱۹ | آیا تدارکی برای ارائه بودجه عمومی به احزاب سیاسی وجود دارد؟* | ۷۱% | ۶۳% | ۵۸% | ۸۶% | ۲۷% |
| ۲۳ | آیا تدارک اعتباری برای دسترسی رایگان یا سوبسیددار اجزاب به رسانه‌ها وجود دارد؟ | ۷۹% | ۶۰% | ۶۵% | ۷۷% | ۱۳% |
| ۲۵ | آیا تدارک اعتباری برای دسترسی رایگان یا سوبسیددار کاندیداها به رسانه‌ها وجود دارد؟ | ۶۷% | ۲۳% | ۵۴% | ۵۵% | ۱۳% |
| ۲۶ | آیا اعتباری برای انواع دیگر بودجه عمومی غیر مستقیم وجود دارد؟ | ۵۲% | ۶۵% | ۵۱% | ۹۳% | ۱۴% |
| ۲۷ | آیا اعتباری از بودجه مستقیم عمومی به احزاب سیاسی وجود دارد که با برابری جنسیتی در میان کاندیداها مرتبط باشد؟ | ۱۱% | ۱۰% | ۵% | ۱۸% | ۳۳% |
| ۲۸ | آیا اعتبارات دیگری به شکل مشوق های مالی در نظر گرفته شده که برابری جنسیتی در احزاب سیاسی را ترغیب کند؟ | ۲% | ۱۸% | ۳% | ۷% | ۰% |

ه) ممنوعیت‌های مخارج (سوال ۲۹-۳۰)

اظهارات درباره داده‌های اطلاعاتی:

- نرخ پاسخگویی: ۹۴٪ برای سوال ۲۹ درباره خرید رای اما تنها ۶۷٪ برای سوال ۳۰ که به استفاده از منابع در کمپین‌های انتخاباتی می‌پردازد.
- نرخ پایین پاسخگویی به سوال ۳۰ در نتیجه احتیاط مضاعف در مقررات است، زیرا گفته شده بود احتمال دارد که ارائه کمک مالی، غیر از آنچه که به انتخابات یا احزاب سیاسی ربط دارد، در قانون نیز باشد (و بنابراین شاید از چشم محققان دورمانده باشد). برای اطلاعات بیشتر، اینجا را ببینید:
<<http://www.idea.int/political-finance/methodology.cfm>>

خلاصه

ممنوعیت بر ارائه کمک مالی انواع زیادی دارد (سوال‌های ۱-۱۲ در بخش ۱-بی را ببینید)، اما ممنوعیت مخارج کمتر اعمال می‌شود. برای اهداف گنجانده شده در بانک داده‌های اطلاعاتی، تمرکز بر کشف کشورهایی بود که خرید رای را ممنوع می‌کنند و این که آیا استفاده از منابع دولتی در کمپین‌های انتخاباتی ممنوعیت دارد یا نه.

۹۴ درصد از کشورها به نوعی خرید رای را ممنوع می‌کنند. کاربران بانک داده‌ها می‌توانند درباره نحوه نوشتار این قانون مقرر شده در کشورهای مختلف مطلع شوند اما نسخه‌های اصلی موارد صریحی از خرید رای و ممنوعیت‌های وارد بر دادن پول یا هدیه را در برمی‌گیرد حتی اگر موفقیت در کسب رای بیشتر قابل اثبات نباشد. به علاوه، بانک داده‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که چطور برخی از کشورها و نه تمامی آن‌ها فروش رای را هم ممنوع کرده‌اند. با در نظر گرفتن اطلاعات موجود در مورد فراوانی و شیوع خرید رای در بسیاری از بخش‌های جهان، سوال عمده برای تحقیقات بیشتر اینجاست که چرا این امکانات قانونی در بسیاری از کشورها بی‌تاثیر است.

سوال دوم درباره ممنوعیت‌های وارد بر مخارج به استفاده از منابع عمومی مرتبط است، که در غیر این صورت با عبارت «منابع دولتی» یا «منابع حکومتی» از آنها یاد می‌شد. سوال ۱۱ در بانک داده‌ها به ممنوعیت اعطای منابع به احزاب سیاسی یا کاندیداها ربط دارد، و در نتیجه چنین قوانینی جزو ممنوعیت کمک‌های مالی تلقی می‌شوند. در مقابل سوال ۳۰ ردمودر ممنوعیت استفاده مستقیم یا غیرمستقیم از منابع دولتی به نفع یک حزب یا نامزد است، حتی اگر این منابع مستقیماً در اختیار حزب یا کاندیدا قرار نگیرد (مثلاً، اگر یک وزارتخانه در چندین روزنامه آگهی بدهد و مردم را به رای دادن به حزب دولت ترغیب کند). اگر محققان ما هر کدام از موارد زیرین را پیدا می‌کردند، تعبیر گسترده‌ای از منابع دولتی مورد استفاده قرار می‌گرفت و کشورها در دسته بندی «بله» جای می‌گرفتند:

- ممنوعیت کلی استفاده از منابع دولتی به نفع یک حزب سیاسی یا کاندیدا؛
- ممنوعیت استفاده از اتومبیل‌های دولتی در کمپین‌های انتخاباتی؛
- ممنوعیت برگزاری کمپین در مراکز دولتی (مگر آن که تمامی رقابت‌کنندگان از این امکان برخوردار باشند)؛
- ممنوعیت همکاری کارمندان دولت با کمپین در ساعت کاری؛ یا

- ممنوعیت پوشش خبری جانبدارانه در رسانه‌های عمومی در ارتباط با احزاب سیاسی، یا الزام رسانه‌های عمومی به درپیش‌گرفتن رفتار خنثی در پوشش خبری (مقررات رسانه‌های خصوصی به شکل دیگری است).

داده‌ها نشان می‌دهد که ۹۳ درصد کشورهای که اطلاعاتشان قابل دسترس است این ممنوعیت را دارند، هرچند این امکان وجود دارد که اگر اطلاعات کشورهای بیشتری در تحقیق لحاظ می‌شد، رقم نهایی کوچکتر از آب درمی‌آمد. در مورد مسئله خرید رای، شواهد فراوانی وجود دارد مبنی بر این که سوءاستفاده از منابع دولتی در بسیاری از کشورهای جهان مشکلی عمده است. در نتیجه، به نظر می‌رسد که در مقابله با سوءاستفاده از منابع دولتی، آنچه که در بسیاری از مناطق کمبود دارد، مقررات مضاعف نیست بلکه اجرای صحیح مقررات است.

بدون شک، یکی از مشکلات از این قرار است که با آن که قوانین و مقررات مستلزم حمایت اکثریت پارلمان است، این گروه (کارمندان دولت) معمولاً هدف اصلی قوانین وضع‌شده است. به طور کلی، این مشکل حل نمی‌شود مگر آن که حساسیت عمومی برانگیخته شود و کارمندان از درگیر شدن در فعالیت‌های اینچینی پرهیز کنند. همانطوری که اسپک و فونتانا (Speck and Fontana) گفته‌اند:
 «... وقتی سوءاستفاده گسترش می‌یابد، استراتژی طولانی مدت لازم می‌شود، تا حرفه‌ای‌گری تحکیم شود و استقلال کارمندان دولت حفظ شود. مادامی که اعضای خدمات و کارمندان از فعالیت‌های سیاسی بری باشند و از استانداردهای راهبردی و منافع عمومی پیروی کنند، سوءاستفاده از امکانات دولت مشکل‌تر می‌شود. (Speck and Fontana 2011: 11)

کاربران بانک داده‌های اطلاعاتی می‌توانند از ارقام نمونه برای هر کشور استفاده کنند تا تفاوت میان قوانین به‌کارگرفته شده برای ممنوعیت سوءاستفاده از منابع دولتی در کشورهای مختلف را دریابند.

جدول ۱۲. نتایج مرتبط با ممنوعیت‌های هزینه

| شماره | سوال | بله | نه | بله در بانک داده‌های قدیمی | نرخ R |
|-------|--|--------|--------|----------------------------|-------|
| ۲۹ | آیا خرید رای ممنوع است؟ | ۶۸٪ | ۳۲٪ | نامرتب | ۹۴٪ |
| ۳۰ | آیا استفاده از منابع دولتی به نفع یا علیه یک حزب سیاسی یا کاندیدا ممنوع است؟ | نامرتب | نامرتب | نامرتب | ۶۷٪ |

تذکر: درصدهای این جدول بر اساس شمار کلی پاسخ‌های معتبری است که به هر سوال داده شده و نه الزاماً بر اساس شمار کلی کشورهای لحاظ شده در بانک داده‌های اطلاعاتی.

تحلیل منطقه‌ای

برای هیچ‌یک از این پرسش‌ها تنوع منطقه‌ای چشمگیری وجود ندارد. در واقع، ممنوعیت خرید رای و استفاده از منابع دولتی در کمپین‌ها در قاره آمریکا و اروپا کمتر است، اما این مسئله را باید محتاطانه تعبیر کرد. این امر بویژه در مورد اروپا صدق می‌کند چنانچه سوءاستفاده صریح از منابع دولتی بویژه در دموکراسی‌های قدیمی غرب اروپا کمتر شایع است و مقررات آن شاید غیرمستقیم باشد در نتیجه در بانک داده‌ها منظور نشده است.

جدول ۱۳. تحلیل منطقه‌ای ممنوعیت‌های وارد بر هزینه‌ها

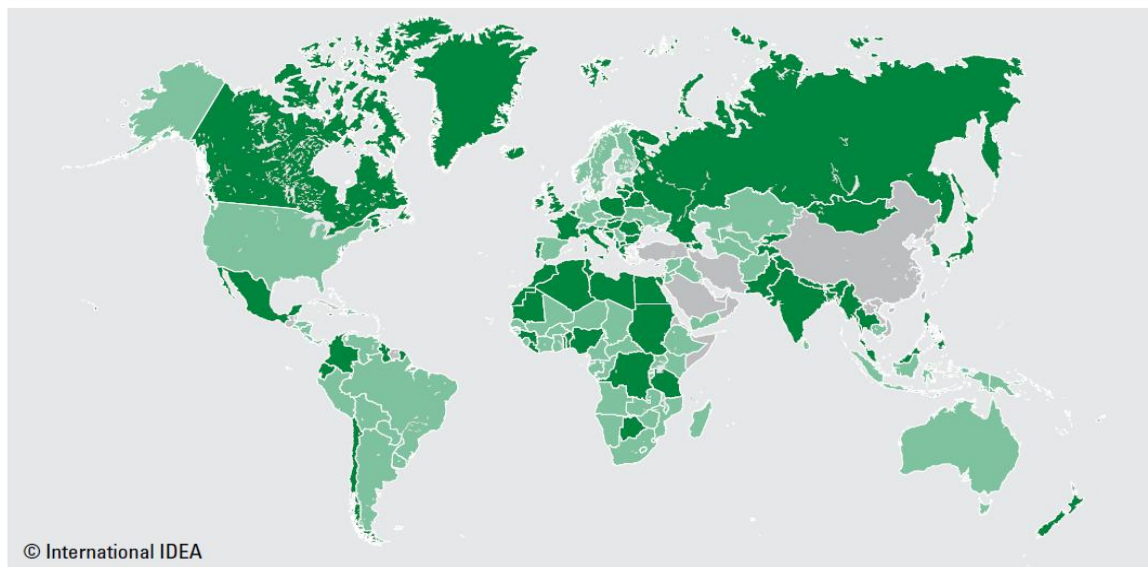
| شماره | سوال | آفریقا | آمریکا | آسیا | اروپا | اقیانوسیه |
|-------|--|--------|--------|------|-------|-----------|
| ۲۹ | آیا خرید رای ممنوع است؟ | %۹۶ | %۸۷ | %۹۷ | %۹۳ | %۱۰۰ |
| ۳۰ | آیا استفاده از منابع دولتی به نفع یا علیه یک حزب سیاسی یا کاندیدا ممنوع است؟ | %۹۰ | %۱۰۰ | %۱۰۰ | %۸۷ | %۷۵ |

تذکر: درصدهای این جدول نشان‌دهنده سهم کشورهایی در هر منطقه است که برایش پاسخ مثبت ثبت شده است. این درصدها بر اساس شمار کلی پاسخ‌های معتبر به هر سوال است و نه الزاماً بر اساس شمار کلی کشورهای لحاظ شده در

و) محدودیت‌های مخارج (سوال ۳۱-۳۴)

اظهارات درباره داده‌های اطلاعاتی:

- نرخ بسیار بالای پاسخگویی: %۹۴ میانگین و تمامی سوالات بالای %۹۰.
- اطلاعات ۱۶۲ کشور (%۹۱) در دسترس بود، اما برای این سوال، در مورد شش کشور (%۳) هیچگونه اطلاعاتی موجود نبود.



این نقشه بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده تا فوریه ۲۰۱۲ تهیه شده. نقشه‌ها دائماً در بانک داده‌ها بروز می‌شوند. اینجا را ببینید: <http://www.idea.int/political-finance/question.cfm?field=270®ion=-1>

سوال: محدودیت‌های هزینه برای نامزدها

جواب:

سبز: بله

سبز روشن: خیر

خاکستری: نمی‌دانیم

خلاصه

در بسیاری از کشورها هستند کسانی که می‌گویند کمپین‌های انتخاباتی زیادی هزینه‌بردار شده‌اند و روز به روز هم گران‌تر می‌شوند. آنان می‌گویند باید تمهیداتی برای مقابله با این روند اندیشیده شود. یک بحث دیگر نیز این است که محدود کردن میزان پولی که خرج می‌شود می‌تواند میزان منافع آن دسته از احزاب سیاسی و کاندیداهایی که به منابع بیشتر دسترسی دارند، کاهش می‌دهد. این داده‌های اطلاعاتی، اطلاعات مربوط به هزینه کمپین‌های انتخاباتی را در بر نمی‌گیرد اما محدودیت‌هایی را که احزاب و کاندیداها تحمیل می‌کنند پوشش می‌دهد.

محدودیت کمک‌های پولی و مخارج، تا حدی می‌تواند هدف کاهش منافع کسانی که به منابع دسترسی بیشتری دارند را تامین کند. محدودیت کمک‌های نقدی تاثیر بیشتری دارد چرا که در جمع‌آوری مقادیر کوچکتر پول از افراد زیاد نقش بازدارندگی ندارد. اما در کشورهای فاقد نظارت محدودیت مخارج می‌تواند فایده بیشتری داشته باشد، زیرا نظارت بر خرج کردن پول آسان‌تر از نظارت بر ارائه پول است و همین شناسایی تخلفات را ساده‌تر می‌کند.

این که تنها ۲۹ درصد کشورها بر میزان مخارج مجاز احزاب سیاسی محدودیت اعمال کرده‌اند -چه سالانه و چه بر حسب برگزاری کمپین انتخاباتی- امر قابل توجهی است. ۴۴ درصد کشورها نیز محدودیت‌های مشابهی را بر نامزدها اعمال می‌کنند. این یکی از معدود موارد شاخص موجود در داده‌هاست که طی آن مسائل مالی نامزد بیش از احزاب قانونمند شده‌است. با در نظر گرفتن این که میزان مخارج حزب سیاسی به همان اندازه مخارج کاندیدا (اگر نه بیشتر)، روند سیاسی و انتخاباتی را مخدوش می‌کند، دلیل اقدام فوق نامشخص است. البته که اگر قانون اعمال نشود، محدودیت‌ها در هیچ‌یک از موارد تاثیری نخواهد داشت.

کاربران داده‌های اطلاعاتی می‌توانند جزئیات محدوده مخارج را در کشورهای مختلف مطالعه کنند. برخی کشورها محدودیت هزینه‌ای را به شکل رقم نهایی، و برخی به شکل حقوق و مواجب حداقلی توضیح می‌دهند. تنها چند کشور هستند که محدوده خاصی را به عنوان مقدار مشخصی به ازای هر ساکن یا رای‌دهنده ثبت شده یک حوزه انتخاباتی خاص برای نامزدها (و گاهی احزاب سیاسی) تعیین می‌کنند. این اقدام محدودیت بیشتری را بر مناطق انتخاباتی بزرگتر، که رقیبان به پول بیشتری برای کسب رای بیشتر نیاز دارند، فراهم می‌سازد.

کشورهای دیگر مخارج مجاز را به عنوان بودجه‌های عمومی چندگانه که به هر حزب داده می‌شود توضیح می‌دهند، در حالی که در کشورهایی چون آذربایجان، بنگلادش، بوتسوانا و مجارستان، میزان مخارج مجاز هر حزب به شمار نامزدهای آن حزب در هر انتخابات بستگی دارد.

در بوتسوانا، احزاب می‌توانند ۱۳ هزار دلار خرج کنند، بدین معنی که حداکثر میزان مخارج برای انتخابات پارلمانی کمتر از ۷۵۰ هزار دلار است. برعکس، در انتخابات مجلس نمایندگان لیبیا، حزبی که حداکثر نامزدها را ارائه کند می‌تواند تا بیش از ۲۹ میلیون دلار خرج کند.

یک مثال افراطی، احزاب سیاسی در قرقیزستان است که مجازند در هر انتخاباتی معادل ماهانه یک میلیون دلار خرج کنند. یعنی هشت حزب عمده سیاسی شرکت‌کننده در انتخابات پارلمانی قرقیزستان در

سال ۲۰۱۰ رویهم رفته مجاز بودند که تا تقریباً معادل شش هفته حقوق و مواجب افراد عادی در کشور را خرج کنند. اگر این روش در مورد احزاب سیاسی آمریکا اعمال می‌شد، این احزاب می‌توانستند هریک تا میزان ۲۵ میلیارد دلار خرج کنند.

جدول ۱۴. نتایج مرتبط با محدودیت مخارج برای احزاب سیاسی و کاندیداها

| شماره | سوال | بله | خیر | بله، در بانک داده‌های قبلی | نرخ R |
|-------|--|--------|--------|----------------------------|-------|
| ۳۱ | آیا بر میزان مخارج یک حزب سیاسی محدودیتی وجود دارد؟ | ۲۹% | ۷۱% | ۲۴% | ۹۴% |
| ۳۲ | اگر بر میزان مخارج یک حزب سیاسی محدودیت وارد است، آن محدودیت کدام است؟ | نامرتب | نامرتب | نامرتب | ۹۴% |
| ۳۳ | آیا بر میزان مخارج یک کاندیدا محدودیتی وارد است؟ | ۴۴% | ۵۶% | نامرتب | ۹۴% |
| ۳۴ | اگر بر میزان مخارج یک کاندیدا محدودیت وارد است، آن محدودیت کدام است؟ | نامرتب | نامرتب | نامرتب | ۹۴% |

تذکر: درصدهای این جدول بر اساس شمار کلی پاسخ‌های معتبری است که به هر سوال داده شده و نه الزاماً بر اساس شمار کلی کشورهای لحاظ شده در بانک داده‌های اطلاعاتی.

تحلیل منطقه‌ای

به نظر می‌رسد که محدودسازی مخارج احزاب سیاسی یک پدیده غالب اروپایی است و نیمی از کشورهای اروپایی آن را اعمال می‌کنند، در حالی‌که در مناطق دیگر جهان کمتر از یک سوم کشورها آن را اجرا می‌کنند. محدودیت مخارج بیشتر در مورد احزاب در مناطق مختلف جهان است تا کاندیداها، و همین روزنه‌ای بالقوه باز می‌کند تا برای پرهیز از محدودیت‌های اعمال شده بر کاندیداها، بودجه از طریق احزاب سیاسی کانالیزه شود (برای مشاهده بحث‌های بیشتر درباره این روزنه بخش‌های ۱-اف و ۲-سی را ببینید). در آفریقا، آسیا و اقیانوسیه تفاوت به خوبی مشهود است، بطوری که محدودیت هزینه برای نامزدها حدود دو برابر احزاب سیاسی است. آسیا نیز بیشترین شمار کشورهایایی را دارد که برای نامزدها محدودیت اعمال می‌کنند.

جدول ۱۵. تحلیل منطقه‌ای بر محدودیت مخارج برای احزاب سیاسی و نامزدها

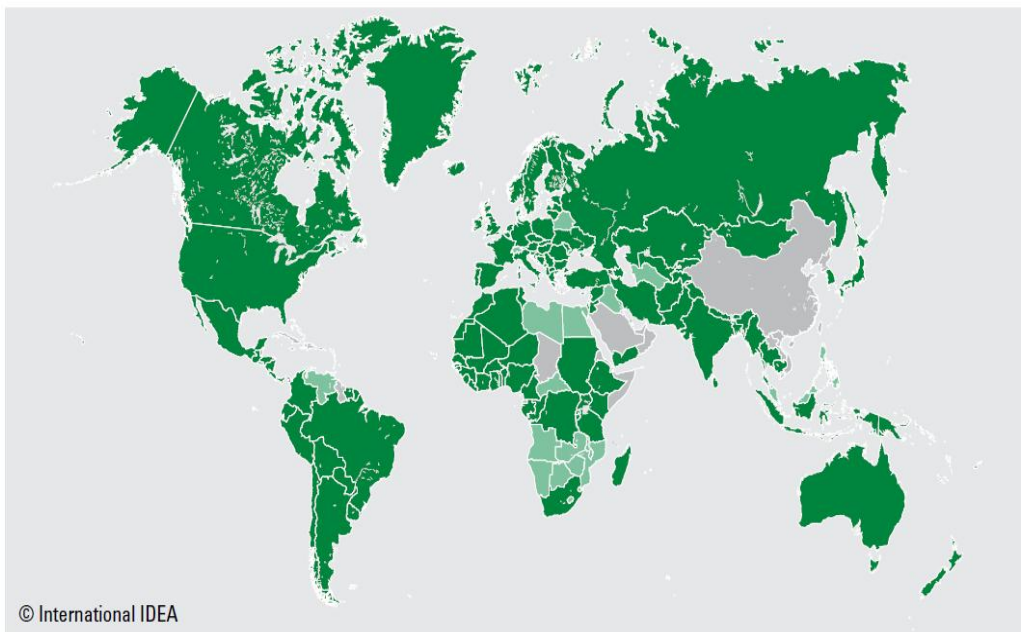
| شماره | سوال | آفریقا | آمریکا | آسیا | اروپا | اقیانوسیه |
|-------|--|--------|--------|------|-------|-----------|
| ۳۱ | آیا بر میزان مخارج یک حزب سیاسی محدودیتی وارد است؟ | ۱۷% | ۲۶% | ۳۲% | ۴۸% | ۸% |
| ۳۳ | آیا بر میزان مخارج یک نامزد محدودیتی وارد است؟ | ۳۱% | ۳۲% | ۶۲% | ۵۷% | ۲۷% |

تذکر: درصدهای این جدول نشان‌دهنده سهم کشورهایی در هر منطقه است که برایش پاسخ مثبت ثبت شده است. این درصدها بر اساس شمار کلی پاسخ‌های معتبر به هر سوال است و نه الزاماً بر اساس شمار کلی کشورهای لحاظ شده در داده‌ها.

ز) شفافیت مالی (سوال ۳۵-۳۹)

نظرات بر بانک داده‌های اطلاعاتی:

- نرخ پاسخگویی بسیار بالا: ۹۱٪ میانگین با تنها یک سوال زیر ۹۰٪ (سوال ۳۹، با ۸۸٪)
- اطلاعات ۱۴۸ کشور (۸۳٪) برای تمام سوالات موجود بود، اما برای هشت کشور (۴٪) هیچ گونه اطلاعاتی برای این سوالات وجود نداشت.
- سوال ۳۹، درباره لزوم یا عدم لزوم اعلام هویت حامیان مالی، گاهی تعبیرات پیچیده داشت زیرا بسیاری از کشورها قانون شفافیت در این زمینه ندارند.



این نقشه بر اساس اطلاعات جمع آوری شده تا فوریه ۲۰۱۲ تهیه شده. نقشه ها دائما در بانک داده ها بروز می شوند. اینجا را ببینید : <http://www.idea.int/political-finance/question.cfm?field=270®ion=-1>

سوال: لزوم گزارش منظم برای احزاب سیاسی

جواب:

سبز: بله

سبز روشن: خیر

خاکستری: نمی‌دانیم

خلاصه

این دسته از سوالات در مورد یکی از مهمترین مسائل در نظام مالی سیاسی است مبنی بر این که احزاب سیاسی و نامزدهای انتخاباتی لازم است گزارش‌های رسمی درباره مسائل مالی خود را ارائه کنند. بدون التزام‌های اینچنینی، بسیاری از مقررات از جمله قوانین کمک نقدی یا محدودیت مخارج تقریباً بی‌معنی می‌شوند زیرا راهی وجود ندارد که بشود فهمید مورد اطاعت قرار گرفته‌اند یا خیر. دست‌کم در ۸۸ درصد کشورهایی که اطلاعاتشان در دسترس است، نوعی از وظایف گزارش‌دهی وجود

دارد. این روش از نظر شفافیت، مورد تشویق است اما برخی علامات نگران‌کننده نیز وجود دارد. همواره ادعا می‌شود مادامی که هم احزاب و هم نامزدها مجبور نشوند گزارش مالی بدهند، سوراخی برای کانالیزه کردن پول از طریق سهامداری وجود دارد که مجبور به ارائه گزارش نیستند. ۴۷ درصد کشورها از احزاب سیاسی و نامزدها گزارش مالی مطالبه نمی‌کنند. در برخی موارد، انتقال‌های مالی کاندیداها در گزارش‌های مالی احزاب متبوعشان می‌آید اما این روش در کشورهایی مشکل‌ساز است که حفظ سابقه مالی یا سابقه ارتباطات درون حزبی دقیقی ندارند یا شمار نامزدها بالا است.

جدول ۱۶. پیش‌نیازهایی که احزاب و نامزدها باید گزارش کنند

| پیش‌نیازهای گزارشی | شمار کشورها | اظهارات |
|-----------------------------|-------------|--|
| احزاب سیاسی و نامزدها | ۸۲ | هم احزاب سیاسی و هم نامزدها باید گزارش‌های مالی‌شان را ارائه کنند، چه به صورت منظم و چه گزارش‌های مرتبط با کمپین‌های انتخاباتی، یا هر دو. |
| فقط احزاب سیاسی | ۴۴ | احزاب سیاسی، و نه کاندیداها، باید گزارش‌های مالی‌شان را ارائه کنند، چه به صورت منظم و چه گزارش‌های مرتبط با کمپین‌های انتخاباتی، یا هر دو. |
| فقط نامزدها | ۱۰ | نامزدها باید گزارش‌های مالی‌شان را ارائه کنند. |
| نه احزاب سیاسی و نه نامزدها | ۱۹ | نه احزاب سیاسی و نه نامزدها لازم نیست گزارش‌های مالی‌شان را ارائه کنند. |

گزارش‌های مالی به شفافیت کمکی نخواهد کرد مگر آن که این گزارش‌ها حاوی برخی موارد کلیدی باشد که بعد در اختیار عموم قرار گیرد. از این رو بانک داده‌های اطلاعاتی از جمله دربرگیرنده سوالاتی است که می‌پرسد آیا گزارش‌های مالی در معرض عموم قرار می‌گیرند یا نه، و این که هویت کمک‌کنندگان مالی را اعلام می‌سازند یا خیر.

برخی می‌گویند ارائه گزارش‌ها به عموم لازم نیست؛ و تنها ارائه آن‌ها به نهاد دولت برای تحقیق و بررسی کفایت می‌کند. دیگران می‌گویند بعید است که در نبود مکاشفه دقیق و فعالانه نهادهای ذیربط مانند جامعه مدنی و رسانه، گزارش مالی رسمی به شفافیت بیانجامد (مثلاً ببینید: Ohman and Zainbulhai (2009: 20).

کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد نیز از کشورها می‌خواهد قوانینی را معرفی کنند که شفافیت تخصیص بودجه به کاندیداها و احزاب سیاسی را تحکیم کند. (Art 7.3) حتی اگر چنین شود، بیش از یک چهارم کشورهایی که گزارش مالی مطالبه می‌کنند هیچ قانونی ندارند که دهندگان یا گیرندگان گزارش را موظف سازد که آن اطلاعات را در دسترس عموم قرار دهند.

هویت حامیان مالی اهمیت زیادی دارد چرا که مردم حق دارند بدانند که احزاب سیاسی و کمپین‌های انتخاباتی از کجا تامین می‌شوند. در برخی کشورها منتقدان می‌گویند افزایش هویت پول‌دهندگان، افراد یا نهادها را در معرض آزار و اذیت، بویژه از سوی دولت قرار می‌دهد. بنابراین برخی کشورها اینطور توافق کرده‌اند که نام و هویت حامیان مالی تنها بسته به برخی شروط فاش شود، مثلاً این که میزان پول پرداختی بالا و بیش از حد معینی باشد. جدول ۱۷ نشان می‌دهد نیمی از کشورهای متقاضی گزارش‌های مالی خواستار افشای نام حامیان مالی هستند؛ و بیش از یک پنجم کشورها چنین الزامی را تعیین نکرده‌اند. در ۲۸ درصد کشورها، گزارش‌ها باید در موارد خاص نام حامیان را اعلام کنند.

جدول ۱۷. نتایج مربوط به پیش‌نیازهای شفافیت

| شماره | سوال | بله | خیر | گاهی | بله، در بانک داده‌های قدیمی | نرخ R |
|-------|---|-----|-----|--------|-----------------------------|-------|
| ۳۵ | آیا احزاب سیاسی باید به طور منظم درباره مسائل مالی‌شان گزارش دهند؟ | ۷۴% | ۲۶% | نامرتب | نامرتب | ۹۳% |
| ۳۶ | آیا احزاب سیاسی باید مسائل مالی مرتبط با کمپین‌های انتخاباتی را گزارش دهند؟ | ۵۲% | ۴۸% | نامرتب | نامرتب | ۹۲% |
| ۳۷ | آیا کاندیداها باید درباره مسائل مالی‌شان در ارتباط با کمپین‌ها گزارش دهند؟ | ۶۰% | ۴۰% | نامرتب | نامرتب | ۹۳% |
| ۳۸ | آیا اطلاعات درج شده در گزارش‌های احزاب سیاسی و/یا نامزدها ممکن است عمومی شود؟ | ۷۲% | ۲۸% | نامرتب | نامرتب | ۹۲% |
| ۳۹ | آیا گزارش‌های احزاب سیاسی و/یا نامزدها باید هویت ارائه‌دهندگان کمک‌های مالی را فاش کند؟ | ۵۱% | ۲۱% | نامرتب | نامرتب | ۸۸% |

تذکر: درصدهای این جدول بر اساس شمار کلی پاسخ‌های معتبری است که به هر سوال داده شده و نه الزاما بر اساس شمار کلی کشورهای لحاظ شده در بانک داده‌های اطلاعاتی.

تحلیل منطقه‌ای

از نظر مقایسه منطقه‌ای، اقیانوسیه یک بار دیگر در فهرست آماری از بقیه جدا می‌ایستد چرا که تنها منطقه‌ای است که امتیازی کمتر از ۵۰ درصد برای تمامی سوالات موجود در این دسته به خود اختصاص داده است. ارائه گزارش، بویژه در اروپا امری جاافتاده است، همانطور که افشای نام حامیان مالی برای رسانه‌ها و دسترسی عموم به گزارش‌ها رواج دارد. انتشار این گزارش‌ها تقریبا در تمامی کشورهای اروپایی لازم است اما در آفریقا، آمریکا و آسیا تنها ۶۰ الی ۷۰ درصد کشورها آن را مطالبه می‌کنند.

جدول ۱۸. تحلیل منطقه‌ای پیش‌نیازهای شفافیت

| شماره | سوال | آفریقا کا | آمری کا | آسیا | اروپا | اقیانوسیه |
|-------|---|--------------|------------|------|-------|-----------|
| ۳۵ | آیا احزاب سیاسی باید به طور منظم درباره مسائل مالی‌شان گزارش دهند؟ | ۶۹% | ۶۴% | ۸۶% | ۸۹% | ۲۵% |
| ۳۶ | آیا احزاب سیاسی باید مسائل مالی مرتبط با کمپین‌های انتخاباتی را گزارش دهند؟ | ۴۹% | ۶۴% | ۴۳% | ۶۶% | ۱۷% |
| ۳۷ | آیا کاندیداها باید درباره مسائل مالی‌شان در ارتباط با کمپین‌ها گزارش دهند؟ | ۴۹% | ۵۷% | ۷۱% | ۶۸% | ۵۰% |
| ۳۸ | آیا اطلاعات درج شده در گزارش‌های احزاب سیاسی و/یا نامزدها ممکن است عمومی شود؟ | ۵۹% | ۷۲% | ۷۱% | ۹۰% | ۴۳% |
| ۳۹ | آیا گزارش‌های احزاب سیاسی و/یا نامزدها باید هویت ارائه‌دهندگان کمک‌های مالی را فاش کند؟ | ۶۸% | ۸۰% | ۸۶% | ۸۸% | ۵۰% |

تذکر: درصدهای این جدول نشان‌دهنده سهم کشورهایی در هر منطقه است که برایش پاسخ مثبت ثبت شده است. این درصدها بر اساس شمار کلی پاسخ‌های معتبر به هر سوال است و نه الزاما بر اساس شمار کلی کشورهای لحاظ شده در

ح) اجرا و مجازات (سوا ۴۰- ۴۳)

نظرات بر بانک داده‌های اطلاعاتی:

- نرخ بالای پاسخگویی: ۸۹ درصد میانگین، با پایین‌ترین نرخ پاسخگویی ۸۷٪ برای سوال ۴۲.
- اطلاعات مربوط به ۱۴۲ کشور (۷۹٪) برای تمامی سوالات در دسترس بود اما برای هشت کشور (۴٪) هیچگونه اطلاعاتی برای این سوالات وجود نداشت.
- هیچ تضمینی وجود ندارد که برای سوالات ۴۲ و ۴۳، تمامی آماربندی‌ها لحاظ شده باشد زیرا مقررات مربوط به این مسائل ممکن است که در اسناد گسترده قانونی پخش باشد.

خلاصه

آخرین گروه سوال‌ها، به جای آن که مستقیماً با انواع مختلف قوانین سروکار داشته باشد، در مورد موسساتی است که مسئول اجرای قوانین موجود و اعمال مجازات در صورت وقوع تخلف هستند. چشمگیرترین نتیجه این است که ۴۰ کشور (۲۵ درصد کشورهای که اطلاعاتشان در دسترس است) فاقد قوانینی هستند که نهادهایی را موظف به بررسی گزارش‌های مالی کند و یا این‌که در مورد تخلفات بالقوه مالی سیاسی تحقیق و تجسس کند. این نمایانگر ضعفی عمده در هرگونه روندی است که هدفش نقش کنترل‌شده و شفاف پول در سیاست است.

وقتی پای موسسات در میان است، شناسایی نهادی که حکم اجرایی خاصی دارد بسیار مهم است. مثلاً، وزارتخانه‌های دولتی ممکن است ظرفیت چشمگیری داشته باشند اما در عین حال استقلال لازم برای بررسی موثق را نداشته باشند، در مقابل نهادهای مدیریت انتخاباتی، ممکن است که قراردادهای خوبی با احزاب سیاسی داشته باشند اما تمایلی به مداخله در کاری را نداشته باشند که به نظرشان خارج از حوزه اصلی کارشان است.

جدول ۱۹ انواع موسساتی را مقایسه می‌کند که مسئول دریافت و بررسی گزارش‌های مالی احزاب سیاسی و کاندیداها هستند. این جدول همچنین موسسات دیگری را نظارت می‌کند که نقشی رسمی ایفا می‌کنند (مثلاً در اعمال مقررات یا بررسی شکایات). با آن‌که داده‌های بانک داده‌های اصلی در دسترس است اما به خوبی قابل تمیز نیست زیرا این مسئله را که کدام نهاد مسئول «مدیریت و اجرای قانون است» به شکلی مبهم بیان می‌دارد. به این نکته نیز توجه کنید که این جدول تنها شامل کشورهایی می‌شود که دست‌کم برای هر سوال یک موسسه ثبت شده است.

جدول ۱۹. انواع موسسات دخیل در نظارت مالی سیاسی

| موسسه | دریافت‌کننده گزارش‌ها | بررسی‌کننده گزارش‌ها/تجسس‌گر تخلفات | دیگر نقش‌های رسمی | بانک داده‌های قدیمی |
|-----------------------|-----------------------|-------------------------------------|-------------------|---------------------|
| نهاد مدیریت انتخاباتی | ۴۲٪ | ۳۴٪ | ۴٪ | ۴۸٪ |
| وزارتخانه* | ۱۵٪ | ۱۰٪ | ۱۵٪ | ۲۲٪ |
| سازمان نظارتی | ۱۰٪ | ۱۴٪ | ۱۰٪ | نامرتب |
| موسسه ذیربط | ۸٪ | ۱۰٪ | ۰٪ | ۱۰٪ |
| دادگاه | ۷٪ | ۱۳٪ | ۳۲٪ | نامرتب |

| | | | | |
|------|-----|-----|-----|-----|
| دیگر | ۱۶% | ۱۹% | ۳۹% | ۱۹% |
|------|-----|-----|-----|-----|

*بانک داده‌های اصلی از عبارت «موسسه دولتی» استفاده کرده است.

جدول فوق نشان می‌دهد که نهاد مدیریت انتخاباتی، رایج‌ترین محل دریافت گزارش‌های مالی است. هرچند، مرور گزارش‌ها و تحقیق درباره تخلفات بالقوه اغلب توسط وزارتخانه‌های دولتی، نهادهای بازرسی، و یا دادگاه انجام می‌شود. وقتی دادگاه‌ها در امر دریافت یا بازبینی گزارش‌ها شریک نیستند، اغلب یک نقش رسمی دیگر بهشان محول می‌شود که در اغلب موارد اعمال قانون را نیز دربرمی‌گیرد. سوال نهایی در بانک داده‌ها در مورد قوانین و مقرراتی است که در موارد وقوع تخلفات مالی سیاسی اعمال می‌شود. در میان کشورهایی که اطلاعاتشان در دسترس بود، ۹۶ درصد نوعی از انواع تنبیه را دریافت کرده‌اند حتی اگر مورد تخلف که منجر به تذکر شده خرید رای بوده باشد. جدول ۲۰ میزان تکرار تنبیهات مقرراتی در قوانین کشورهای مختلف است. از آنجا که بسیاری از کشورها گستره تنبیهات مقرراتی وسیعی دارند، رقم نهایی جدول ۱۸ از ۱۰۰ درصد فراتر می‌رود.

جدول ۲۰. تنبیهات کشورهای مختلف

| مجازات | سهم کشورها | نظرات |
|----------------------------|------------|--|
| جریمه | ۷۵% | جریمه نقدی |
| از دست دادن بودجه عمومی | ۳۰% | حزب سیاسی (بخشی از) حق بودجه دولتی را از دست می‌دهد |
| غرامت | ۲۹% | پولی که خلاف قانون بدست آمده باید به موسسه ویژه ای مسترد شود |
| تعطیل حزب سیاسی | ۹% | حزب سیاسی موقتا فعالیتش قطع می‌شود |
| خروج از ثبت | ۲۰% | فعالیت حزب سیاسی به شکل دائمی قطع می‌شود |
| زندان | ۵۲% | حکم زندان برای تخلفات سنگین |
| از دست دادن نامزدی کاندیدا | ۱۳% | شخصی که به عنوان نامزد معرفی شده بود از دور رای گیری خارج می‌شود |
| از دست دادن جایگاه انتخابی | ۶% | برنده انتخابات، جایگاه رسمی‌اش را از دست می‌دهد |
| از دست دادن حقوق سیاسی | ۱۴% | شخص حق رای، رقابت در انتخابات و نامزدی و دیگر حقوق سیاسی‌اش را از دست می‌دهد |
| غیره | ۲۸% | مجازات‌های دیگر از جمله اخطار و از دست دادن حق شهروندی |

جریمه نقدی تاکنون شایع‌ترین نوع مجازات است و ۷۵ درصد کشورها از آن به عنوان مجازات بالقوه علیه تخلفات مالی سیاسی استفاده می‌کنند، هرچند این بدان معنی نیست که این جریمه در واقع اعمال شده است. دومین روش شایع مجازات محکومیت حبس است، و باید ذکر شود که در بسیاری از کشورها چنین مجازات‌هایی فقط برای جدی‌ترین تخلفات مثل خرید رای یا تقلب بین‌المللی اعمال می‌شود.

اکثریت کشورها مقرراتی برای پرداخت غرامت ندارند (به این معنی که احزاب یا نامزدها مجبور باشند بودجه‌ای را که برخلاف قوانین موجود دریافت کرده‌اند پس بدهند). در فقدان مجازات غرامت‌دهی، ممکن

است که طرف‌های ذینفع مجبور به پرداخت جریمه‌های بزرگ شوند و همزمان به دریافت کمک‌های غیرقانونی بزرگ‌تر ادامه دهند. مثال این روند در فرانسه رخ می‌دهد. در این کشور «گروه دولت علیه فساد» (GRECO) متذکر شده است که «دولت فرانسه تصریح کرده ... که در حال حاضر هیچ امکان قانونی برای مصادره پول‌های غیرقانونی دادره شده به احزاب سیاسی وجود ندارد...» (GRECO 2009a: (33).

جدول ۲۱ نتایج سوال‌های نهایی (سوال های ۴۰ تا ۴۳) را نشان می‌دهد.

جدول ۲۱. نتایج اجرا و مجازات

| شماره | سوال | بله | خیر | بله، در بانک داده‌های قبلی | نرخ R |
|-------|--|--------|--------|----------------------------|-------|
| ۴۰ | چه نهادی(نهادهایی) گزارش‌های مالی احزاب سیاسی و/یا نامزدها را دریافت می‌کند؟ | نامرتب | نامرتب | نامرتب | ۹۲٪ |
| ۴۱ | آیا نهاد (یا نهادهای) ویژه‌ای مسئول بررسی گزارش‌های مالی و/یا تحقیق درباره تخلفات شده‌اند؟ | ۷۵٪ | ۲۵٪ | نامرتب | ۸۹٪ |
| ۴۲ | چه موسسات دیگری نقش رسمی در نظارت بر مسائل مالی سیاسی دارند؟ | ۴۹٪* | ۵۱٪ | نامرتب | ۸۷٪ |
| ۴۳ | چه مجازات‌هایی برای تخلفات مالی سیاسی در نظر گرفته شده است؟ | ۹۶٪** | ۴٪ | نامرتب | ۹۰٪ |

*برای این سوال یک موسسه دیگر نیز در ۴۹٪ کشورها شناسایی شد، در حالی که ۵۱٪ کشورها هیچ نهادی غیر از آن که گزارش‌های مالی را دریافت می‌کند، برای ایفای یک نقش رسمی در بازرسی امور مالی سیاسی ندارند.

**برای این سوال، نوعی مجازات نیز رد قوانین ۹۶٪ کشورها گنجانده شده بود، ۴٪ کشورها باقیمانده چنین مقرراتی نداشتند.

تذکر: درصد‌های این جدول بر اساس شمار کلی پاسخ‌های معتبری است که به هر سوال داده شده و نه الزاماً بر اساس شمار کلی کشورهای لحاظ شده در بانک داده‌های اطلاعاتی.

۲. مقررات مالی سیاسی، مسائل کلیدی و متغیرهای دیگر

به منظور آغاز بررسی مفهوم قوانین مالی سیاسی، اولین بخش این فصل اطلاعاتی از بانک داده‌های «موسسه بین‌المللی دموکراسی و همکاری انتخاباتی» را بررسی می‌کند که به شماری از متغیرها مرتبط است. مبحث این فصل باید به عنوان یک تحلیل اولیه نگریسته شود، که امیدواریم الهام‌بخش دیگران در مطالعات عمیق‌تر مسائلی از این دست باشد. متغیرهای مورد ملاحظه به دو حوزه مربوط است که رابطه تنگاتنگی با نقش پول در سیاست دارند: سطح دموکراسی (یا آزادی) و سطح فساد. بخش دوم این فصل به دو امر کلیدی در مقررات مالی سیاسی می‌پردازد: رابطه میان احزاب سیاسی و نامزدها، و شفافیت امور مالی سیاسی.

الف) سطح آزادی و مقررات مالی سیاسی

گاهی گفته می‌شود که مقررات مالی سیاسی به «نسل دوم» اصلاحات متعلق است، که کشورها تنها زمانی می‌توانند آن را معرفی کنند که مسائل فوری‌تری مانند هیات اجرایی انتخابات و ماهیت کلی رقابت در سپهر سیاسی را حل و فصل کرده باشند. هرچه «توسعه» سیاسی در یک کشور بیشتر شود، مسئله پول در سیاست ساماندهی بهتری می‌یابد.

اگر این مبحث صحیح بود، انتظار می‌رفت که در هر کشوری، میان وجود انواع مقررات و سطح دموکراسی یا «توسعه سیاسی» ارتباطی برقرار باشد. با آن که طبقه‌بندی خانه آزادی (<http://www.freedomhouse.org/report-types/freedom-world>) از آزادی سنجش دقیقی از این مقوله نباشد، اما داده‌های آن می‌تواند به مثابه یک متغیر واسطه مفید عمل کند. بنابراین اولین کار این است که ببینیم سطح آزادی یک کشور به مقررات وضع شده ربط دارند یا خیر. برای این کار، خانه آزادی کشورها را زیر عنوانی «آزاد»، «نیمه آزاد» و «غیر آزاد» دسته‌بندی کرده است. از میان کشورهای موجود در بانک داده‌ها، ۸۷ کشور در گروه اول، ۵۸ کشور در گروه دوم و ۳۴ کشور در گروه سوم قرار می‌گیرند. ۱۳ کشوری که در بانک داده‌ها نیستند، همگی جزو گروه «غیر آزاد» دسته‌بندی می‌شوند.

بطور کلی می‌توان گفت که سطح آزادی معیار ضعیفی برای پیش‌بینی وجود مقررات مالی سیاسی است. مسلماً، قوانین موجود در بانک داده‌ها (به طور دقیق‌تر ۳۰ مورد بررسی شده در این بخش) بیشتر در کشورهای «آزاد» رواج دارند تا در کشورهای «غیر آزاد». با این وجود، تفاوت زیاد نیست: به طور میانگین ۵۳٪ برای کشورهای «آزاد»، در مقابل ۴۲٪ برای کشورهای «غیر آزاد» (و ۵۲٪ برای کشورهای «نیمه‌آزاد»). به علاوه، به نظر می‌رسد که چند الگوی منطقی در جریان‌های مرتبط با سطح آزادی وجود داشته باشد. این گزارش وارد تحلیل‌های چندمتغیری نمی‌شود اما میرهن است که برای بررسی متغیرهای دیگر تحقیقات بیشتری باید صورت گیرد.

از نظر ممنوعیت کمک‌های مالی و بودجه‌های عمومی، تفاوت عموماً اندک است. کشورهای طبقه‌بندی شده زیر عنوان «غیر آزاد» بیشتر احتمال دارد که کمک‌های مالی خارجی را ممنوع کنند، که ممکن است منطقی باشد. برعکس، احتمال این که همین کشورها کمک‌های نقدی پیمانکاران دولت به احزاب سیاسی و کاندیداها را ممنوع کنند کمتر است.

همانطور که در جای دیگر گفته شده، میان سطح آزادی در یک کشور و احتمال ربط آن به اعطای مستقیم بودجه عمومی به احزاب سیاسی، ارتباطی نیست (Ohman 2011: 4). کشورهای «نیمه‌آزاد» و مخصوصاً «غیر آزاد» نسبت به کشورهای «آزاد» دسترسی رایگان بیشتری به رسانه‌ها را برای نامزدهای انتخاباتی فراهم می‌کنند، هر چند این امر در مورد احزاب سیاسی صدق نمی‌کند.

کشورهای «غیر آزاد» کمتر احتمال دارد که بر میزان اهدای کمک‌های نقدی و مخارج، محدودیت اعمال کنند اما تفاوت-بویژه در مورد محدودیت‌های اهدای وجه نقد- زیاد نیست. در برخی کشورهای غیردموکراتیک، حتی ممکن است که دولت‌ها محدودیت بر بودجه‌های خصوصی را ترجیح دهند، بویژه اگر خودشان در کار سوءاستفاده گسترده از منابع دولتی دست داشته باشند.

میان سطح آزادی و شفافیت مالی، رابطه مبهمی وجود دارد. احزاب سیاسی و نامزدها در کشورهای «غیر آزاد» الزام کمتری به ارائه گزارش مالی در رابطه با انتخابات دارند، هر چند این ربطی به

گزارش‌های منظم احزاب ندارد. همچنین در کشورهای «آزاد» گزارش‌های مالی دو برابر بیشتر از کشورهای «غیر آزاد»، علنی می‌شود و در دسترس عموم قرار می‌گیرد. این که ماهیت چنین رابطه‌ای چه می‌تواند باشد، نیاز به تحقیقات بیشتری دارد.

جدول ۲۲. تحلیل نتایج بر اساس سطح آزادی در کشورها

| ۱ | سوال | رایگان | نیمه رایگان | غیررایگان |
|----|--|--------|-------------|----------------------|
| | | | | ممنوعیت‌های کمک مالی |
| ۱ | آیا بر اهدای کمک مالی خارجی به احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۶۱% | ۷۱% | ۸۱% |
| ۲ | آیا بر اهدای کمک مالی خارجی به کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۵۲ | ۵۱ | ۵۰ |
| ۳ | آیا بر اهدای کمک مالی شرکت‌های بزرگ به احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۰ |
| ۴ | آیا بر اهدای کمک مالی شرکت‌های بزرگ به کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۲۶ | ۲۲ | ۱۳ |
| ۵ | آیا بر اهدای کمک مالی شرکت‌های طرف قرارداد دولت یا نیمه دولتی بر احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۵۷ | ۴۲ | ۲۷ |
| ۶ | آیا بر اهدای کمک مالی شرکت‌های طرف قرارداد دولت یا نیمه دولتی بر کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۴۴ | ۳۷ | ۲۷ |
| ۷ | آیا بر اهدای کمک مالی اتحادیه‌های کارگری بر احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۳۲ | ۲۲ | ۱۶ |
| ۸ | آیا بر اهدای کمک مالی اتحادیه‌های کارگری بر کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۳۲ | ۲۲ | ۱۰ |
| ۹ | آیا بر اهدای کمک مالی منابع ناشناس بر احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۶۳ | ۷۲ | ۶۴ |
| ۱۰ | آیا بر اهدای کمک مالی منابع ناشناس بر کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۶۱ | ۶۱ | ۳۹ |
| ۱۱ | آیا بر اهدای منابع دولتی به احزاب سیاسی یا کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ (به استثنای بودجه عمومی مقرر) | ۸۵ | ۸۹ | ۷۹ |
| ۱۲ | آیا ممنوعیت دیگری بر اشکال دیگر اهدای منابع مالی وجود دارد؟ | ۵۳ | ۵۰ | ۴۹ |
| | | | | محدودیت‌های |

| | | | |
|--------------------------|---|----|-----|
| اهدای کمک مالی | | | |
| ۱۳ | آیا بر میزان پولی که یک حامی مالی می تواند به حزب سیاسی در مدت زمان خاص پرداخت کند محدودیت وجود دارد؟ (نه الزاما زمان انتخابات) | ۳۶ | ۲۶ |
| ۱۵ | آیا میزان پولی که یک حامی مالی می تواند در ارتباط با انتخابات به یک حزب سیاسی پرداخت کند، سقف دارد؟ | ۲۱ | ۳۴ |
| ۱۷ | آیا میزان پولی که یک حامی مالی می تواند به یک کاندیدا اهدا کند سقف دارد؟ | ۳۳ | ۲۵ |
| بودجه عمومی | | | |
| ۱۹ | آیا تدارکی برای ارائه بودجه عمومی به احزاب سیاسی وجود دارد؟** | ۷۳ | ۵۹ |
| ۲۳ | آیا تدارک اعتباری برای دسترسی رایگان یا سوبسیددار اجزاب به رسانه ها وجود دارد؟ | ۶۹ | ۷۱ |
| ۲۵ | آیا تدارک اعتباری برای دسترسی رایگان یا سوبسیددار کاندیداها به رسانه ها وجود دارد؟ | ۳۸ | ۵۸ |
| ۲۶ | آیا اعتباری برای انواع دیگر بودجه عمومی غیرمستقیم وجود دارد؟ | ۷۹ | ۶۲ |
| ۲۷ | آیا اعتباری از بودجه مستقیم عمومی به احزاب سیاسی وجود دارد که با برابری جنسیتی در میان کاندیداها مرتبط باشد؟ | ۱۳ | ۱۸ |
| ۲۸ | آیا اعتبارات دیگری به شکل مشوق های مالی در نظر گرفته شده که برابری جنسیتی در احزاب سیاسی را ترغیب کند؟ | ۹ | ۸ |
| ممنوعیت های مخارج | | | |
| ۲۹ | آیا خرید رای ممنوع است؟ | ۹۵ | ۹۶ |
| ۳۰ | آیا استفاده از منابع دولتی به نفع یا علیه یک حزب سیاسی یا کاندیدا ممنوع است؟ | ۸۵ | ۱۰۰ |
| محدودیت های مخارج | | | |
| ۳۱ | آیا بر میزان مخارج یک حزب سیاسی محدودیتی وجود دارد؟ | ۳۷ | ۳۴ |
| ۳۳ | آیا بر میزان مخارج یک کاندیدا محدودیتی وارد است؟ | ۴۸ | ۵۰ |

| شفافیت مالی | | | |
|-------------|----|----|---|
| ۷۴ | ۷۵ | ۷۴ | آیا احزاب سیاسی باید به طور منظم درباره مسائل مالی‌شان گزارش دهند؟ |
| ۲۳ | ۶۱ | ۵۷ | آیا احزاب سیاسی باید مسائل مالی مرتبط با کمپین‌های انتخاباتی را گزارش دهند؟ |
| ۳۷ | ۶۴ | ۶۶ | آیا کاندیداها باید درباره مسائل مالی‌شان در ارتباط با کمپین‌ها گزارش دهند؟ |
| ۴۰ | ۶۹ | ۸۵ | آیا اطلاعات درج شده در گزارش‌های احزاب سیاسی و/یا نامزدها عمومی شود؟ |
| ۸۲ | ۷۵ | ۸۱ | آیا گزارش‌های احزاب سیاسی و/یا نامزدها باید هویت ارائه‌دهندگان کمک‌های مالی را فاش کند؟ |

ب) مفهوم فساد و مقررات مالی سیاسی

در مورد ارتباط میان فساد و وجود قوانین و مقررات مالی سیاسی، چندین تئوری می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در کشورهایی که مسئله فساد جدی گرفته می‌شود، مقررات بیشتری در مورد پول در سیاست وجود دارد. در جوامع بسیار فاسد، سیاستمداران دوست ندارند تا مقرراتی را تایید کنند که دسترسی خودشان به پول را تحت کنترل در آورد.

مقررات مالی سیاسی می‌تواند مانند معیاری عمل کند که نشان می‌دهد یک کشور با مشکلات جدی مالی در نظام سیاسی‌اش مواجه است و تلاش می‌کند تا از طریق قانون آن‌ها را اصلاح کند. سطح بالایی از مقررات مالی سیاسی می‌تواند پدیده‌ای موقتی در زمان‌هایی باشد که سطح فساد بالا می‌رود.

این گزارش فقط به سطح مسائل می‌پردازد و متأسفانه شاخصی وجود ندارد که سطح فساد در کشورهای مختلف را نشان دهد. هرچند فساد ماهیتی غیرقانونی دارد. نزدیکترین به این شاخص، «شاخص ادراک فساد» است که سازمان «شفافیت بین‌المللی» تعیین می‌کند و «سطح دریافت از فساد بخش عمومی» را اندازه‌گیری می‌کند.

مروری بر روش‌شناسی «شفافیت بین‌المللی» نشان می‌دهد که میان شاخص آن‌ها و متغیرهای بانک داده‌های اطلاعاتی «موسسه بین‌المللی دموکراسی و همکاری انتخاباتی»، نباید همپوشانی باشد. اینجا یک استثنا هست و آن تداخل متغیرهای بانک داده‌ها با شاخص «شفافیت بین‌المللی» درباره سوالاتی از واحد امنیتی اقتصادی است. سوال درباره «روندهای مشخص و مسئولیت‌پذیری حاکم بر تخصیص و استفاده از بودجه عمومی» است، بدان معنی که پرسش‌های ۱۱ تا ۳۰ باید با دقت در این مفهوم، تعبیر شوند.

شاخص ادراک فساد، مقیاسی از یک (بسیار فاسد) تا ده (بسیار سالم) را مورد استفاده قرار می‌دهد. برای تسهیل مقایسه، مقیاس در بانک داده‌ها به سه گروه تقسیم‌بندی شد: ۱-۳ (سطح بالای ادراک فساد)؛ ۳-۶ (سطح میانه ادراک فساد)؛ و ۶-۱۰ (سطح پایین ادراک فساد). شفافیت بین‌المللی تمامی کشورهای موجود در داده‌های مالی سیاسی را طبقه‌بندی نمی‌کند و یک گروه ۱۶۱ تایی از کشورها را در مقابل ما

قرار می‌دهد، اما کشورهای غایب عمدتاً جزیره‌هایی کوچک هستند. به طور کلی، به نظر نمی‌رسد که ادراک فساد در کار پیش‌بینی وجود مقررات، از سطح آزادی عملکرد بهتری داشته باشد. تفاوت میانگین (مثبت یا منفی) بین یک کشور «آزاد» و «غیرآزاد» ۱۵ درصد است، در حالی که میانگین تفاوت بین کشورهایایی با سطح ادراک فساد بالا و پایین، ۱۲ درصد است. تحلیل و تعبیر متغیرهای تکی نیز کار مشکلی است. گرایش به ممنوع کردن کمک‌های مالی خارجی در کشورهای فاسد محتمل‌تر است در حالی که احتمال ممنوعیت کمک مالی از سوی اتحادیه‌های کارگری در آن‌ها کمتر است. این کشورها همچنین گرایش کمتری به محدودسازی کمک‌های مالی و دادن بودجه عمومی مستقیم به احزاب دارند، اما بیشتر گرایش دارند تا بودجه عمومی را به برابری جنسیتی ربط دهند. کشورهایایی که سطح ادراک فساد پایین دارند، کمتر امکان دسترسی رایگان به رسانه‌ها را به نامزدها (و نه احزاب سیاسی) می‌دهند. مشابه سطح آزادی در بخش ۲. الف، شاید نشانه‌ای از یک الگو درباره شفافیت مالی وجود داشته باشد. با استثنای الزام گزارش مالی برای احزاب سیاسی در مورد انتخابات، کشورهای فاسد، کمتر گزارش مالی مطالبه می‌کنند و یا خواستار اعلام هویت حامیان مالی می‌شوند. با آن که نمی‌توانیم چیزی از رابطه علت و معلولی نگوییم، به نظر می‌رسد که میان سطح پایین‌تر (دست‌کم ادراک) فساد و قوانین شفافیت محکم‌تر ارتباط برقرار است.

مقایسه وجود مقررات مالی-سیاسی و سطح آزادی و ادراک فساد، حاکی است که ارتباطات مشخصی در این میان وجود دارد. با این حال، امید ما این است که این دو تحقیق کوتاه پرسش‌هایی را طرح کرده باشند که تحقیقات دقیق‌تری را طلب کنند، و راه‌هایی را نشان دهند که اطلاعات موجود در داده‌های «موسسه بین‌المللی دموکراسی و همکاری انتخاباتی» مورد استفاده قرار گیرد.

جدول ۲۳. تحلیل نتایج بر اساس سطح ادراک فساد در کشورها

| شماره | سوال | سطح پایین | سطح متوسط | سطح بالا |
|-------|--|-----------|-----------|----------|
| | ممنوعیت‌های کمک مالی | | | |
| ۱ | آیا بر اهدای کمک مالی خارجی به احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۵۴% | ۶۷ | ۷۳ |
| ۲ | آیا بر اهدای کمک مالی خارجی به کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۴۲ | ۵۲ | ۵۴ |
| ۳ | آیا بر اهدای کمک مالی شرکت‌های بزرگ به احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۰ |
| ۴ | آیا بر اهدای کمک مالی شرکت‌های بزرگ به کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۲۴ | ۲۷ | ۱۸ |
| ۵ | آیا بر اهدای کمک مالی شرکت‌های طرف قرارداد دولت یا نیمه دولتی بر احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۵۲ | ۶۰ | ۳۶ |
| ۶ | آیا بر اهدای کمک مالی شرکت‌های طرف قرارداد دولت یا نیمه دولتی بر کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۳۶ | ۴۷ | ۳۳ |

| | | | وجود دارد؟ | |
|----------------------------|----|----|---|----|
| ۱۸ | ۳۵ | ۳۳ | آیا بر اهدای کمک مالی اتحادیه های کارگری بر احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۷ |
| ۱۶ | ۳۳ | ۳۳ | آیا بر اهدای کمک مالی اتحادیه های کارگری بر کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۸ |
| ۶۵ | ۶۹ | ۷۵ | آیا بر اهدای کمک مالی منابع ناشناس بر احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۹ |
| ۵۳ | ۵۷ | ۶۵ | آیا بر اهدای کمک مالی منابع ناشناس بر کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ | ۱۰ |
| ۹۰ | ۸۰ | ۸۵ | آیا بر اهدای منابع دولتی به احزاب سیاسی یا کاندیداها ممنوعیتی وجود دارد؟ (به استثناء بودجه عمومی مقرر) | ۱۱ |
| ۴۸ | ۵۰ | ۵۲ | آیا ممنوعیت دیگری بر اشکال دیگر اهدای منابع مالی وجود دارد؟ | ۱۲ |
| محدودیت های اهدای کمک مالی | | | | |
| ۲۶ | ۳۳ | ۴۱ | آیا بر میزان پولی که یک حامی مالی می تواند به حزب سیاسی در مدت زمان خاص پرداخت کند محدودیت وجود دارد؟ (نه الزاما زمان انتخابات) | ۱۳ |
| ۲۷ | ۳۳ | ۳۷ | آیا میزان پولی که یک حامی مالی می تواند در ارتباط با انتخابات به یک حزب سیاسی پرداخت کند، سقف دارد؟ | ۱۵ |
| ۲۶ | ۳۲ | ۳۳ | آیا میزان پولی که یک حامی مالی می تواند به یک کاندیدا اهدا کند سقف دارد؟ | ۱۷ |
| بودجه عمومی | | | | |
| ۵۹ | ۷۴ | ۸۵ | آیا تدارکی برای ارائه بودجه عمومی به احزاب سیاسی وجود دارد؟** | ۱۹ |
| ۶۳ | ۸۲ | ۶۲ | آیا تدارک اعتباری برای دسترسی رایگان یا سوبسیددار اجزاب به رسانه ها وجود دارد؟ | ۲۳ |
| ۶۰ | ۵۰ | ۱۹ | آیا تدارک اعتباری برای دسترسی رایگان یا سوبسیددار کاندیداها به رسانه ها وجود دارد؟ | ۲۵ |
| ۶۳ | ۶۷ | ۸۸ | آیا اعتباری برای انواع دیگر بودجه عمومی غیر مستقیم وجود دارد؟ | ۲۶ |
| ۱۱ | ۲۰ | ۴ | آیا اعتباری از بودجه مستقیم عمومی به احزاب سیاسی وجود دارد که با برابری جنسیتی در میان کاندیداها مرتبط باشد؟ | ۲۷ |
| ۲ | ۱۴ | ۸ | آیا اعتبارات دیگری به شکل مشوق های مالی در | ۲۸ |

| نظر گرفته شده که برابری جنسیتی در احزاب سیاسی را ترغیب کند؟ | | | |
|---|----|-----|---|
| ممنوعیت‌های مخارج | | | |
| ۹۳ | ۹۳ | ۱۰۰ | آیا خرید رای ممنوع است؟ |
| ۹۵ | ۹۲ | ۸۰ | آیا استفاده از منابع دولتی به نفع یا علیه یک حزب سیاسی یا کاندیدا ممنوع است؟ |
| محدودیت‌های مخارج | | | |
| ۲۴ | ۴۲ | ۲۲ | آیا بر میزان مخارج یک حزب سیاسی محدودیتی وجود دارد؟ |
| ۳۸ | ۵۶ | ۴۱ | آیا بر میزان مخارج یک کاندیدا محدودیتی وارد است؟ |
| شفافیت مالی | | | |
| ۷۲ | ۶۹ | ۹۲ | آیا احزاب سیاسی باید به طور منظم درباره مسائل مالی‌شان گزارش دهند؟ |
| ۵۰ | ۵۷ | ۵۰ | آیا احزاب سیاسی باید مسائل مالی مرتبط با کمپین‌های انتخاباتی را گزارش دهند؟ |
| ۵۴ | ۶۷ | ۶۸ | آیا کاندیداها باید درباره مسائل مالی‌شان در ارتباط با کمپین‌ها گزارش دهند؟ |
| ۶۱ | ۸۰ | ۸۸ | آیا اطلاعات درج شده در گزارش‌های احزاب سیاسی و/یا نامزدها عمومی شود؟ |
| ۷۲ | ۸۳ | ۸۸ | آیا گزارش‌های احزاب سیاسی و/یا نامزدها باید هویت ارائه‌دهندگان کمک‌های مالی را فاش کند؟ |

ج) احزاب سیاسی و نامزدها

این گزارش با یک مبحث کوتاه دیگر درباره دو تم بسیار مهم به پایان می‌رسد که از طریق اطلاعات موجود در بانک داده‌ها برجسته شده‌اند.

ارتباط میان احزاب سیاسی و کاندیداها، سوالی حیاتی است. اگر احزاب سیاسی و نامزدهایشان ملزم به ارائه گزارش مالی نباشند، راه فراری برای کانالیزه شدن پول از طریق طرف‌های ذیربطی باز می‌شود که مجبور به گزارش‌دهی نیستند. به این ترتیب، این واقعیت که ۴۷ درصد کشورها نه از احزاب و نه از نامزدها گزارش مالی نمی‌خواهند، امری مشکل‌آفرین است. بانک داده‌های اطلاعاتی همچنین حاکی است که ممنوعیت کمک‌های مالی بیشتر بر احزاب سیاسی اعمال می‌شود تا نامزدها، و برخی از کشورها محدودیت مخارج را تنها بر کاندیداها اعمال می‌کنند و نه بر احزاب سیاسی.

این یافته‌ها مشابه یافته‌های سازمان شفافیت بین‌الملل و مرکز کارتر آمریکای لاتین است که تحقیقاتشان:

... نشان می‌دهد منابع تحت مدیریت کاندیداها اغلب گزارش‌های مالی به نهادهای مدیریت انتخاباتی را دور می‌زند. در نتیجه منابع نامزدها نسبت به منابع تحت مدیریت احزاب، کمتر برای علنی می‌شود... عمق و کلیت گزارش‌ها تخفیف داده می‌شود... فقدان شفافیت در منابعی که کاندیداها اعلام کرده‌اند، ضعفی عمده در نظام‌های مالی سیاسی در منطقه است. جمع‌آوری بودجه‌ای که توسط کاندیداها مستقل انجام شود، آن کاندیدا را بیشتر در جهت اهداف منبع پول قرار می‌دهد تا جمع‌آوری بودجه‌ای که توسط یک حزب صورت گرفته است و این ریسک را بالا می‌برد. این امر خطر نفوذ و ارجحیت منافع شخصی بر مناسبت عمومی را تشدید می‌کند. (شفافیت بین‌المللی و مرکز کارتر ۲۰۰۷: ۱۲)

این امر تنها مختص آمریکای لاتین نیست. در بسیاری از کشورهای آفریقایی، پول انتخابات اغلب از سوی کاندیداها و نه احزابشان مورد چالش قرار می‌گیرد. ممنوعیت احزاب سیاسی و نه نامزدها در قبول کمک‌های مالی، در سیاست انتخاباتی آفریقا مشکل آفرین می‌شود. این مسئله در مورد دموکراسی‌های قدیمی‌تر نیز صدق می‌کند. همانطور که گروه حکومت‌ها علیه فساد در مورد آلمان می‌گوید: در سیستم آلمان که بر احزاب سیاسی تمرکز می‌شود، نامزدهای مستقل فرصت کمتری مشارکت در کمپین‌های انتخاباتی دارند. اما در هیچ مراسمی، هیچ چیزی نمی‌تواند مانع دریافت پول توسط یک کاندیدای حزبی و یا یک عضو منتخب پارلمان از کمک‌کنندگان خصوصی شود. کمک‌های مستقیم پولی به نامزدهایی که عضو بوندستاگ نیستند، اصلاً و ابداً در قانون احزاب سیاسی آلمان بررسی نمی‌شود... بنابراین در رفتار حقوقی کاندیداها تازم وارد و نمایندگان پارلمانی که یک بار دیگر در انتخابات شرکت می‌کنند، خدشه ایجاد می‌شود... انتقال کمک‌های دریافتی به حزب متبوع کاندیدا، برعهده پارلمان است... از نظر شفافیت مالی، به نظر می‌رسد که ناموزونی مشخصی میان قوانین احزاب از یک سو (تحت قانون احزاب سیاسی) و کاندیداها و مسئولان منتخب از سوی دیگر وجود داشته باشد؛ این امر کارآمدی قانون احزاب سیاسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. (گرکو ۲۰۰۹ بی: ۲۲ اف)

ناظران قانونی باید بررسی جامعی بر نقشی داشته باشند که پول در نظام سیاسی‌شان ایفا می‌کند. امکان ندارد که یک سیستم نظارتی بدون اشکال خلق کرد- و این خطر عمده هم وجود دارد که این کار به آزادی‌های سیاسی لطمه جدی بزند- تمامی طرف‌ها و نقششان در نظام سیاسی باید در نظر گرفته شود.

د) شفافیت در امور مالی سیاسی

بررسی موثر نقش پول در سیاست مستلزم شفافیت است. این که ۸۸ درصد کشورها دست‌کم ارائه نوعی گزارش را مطالبه می‌کنند، دلگرم‌کننده است. تا حدی که مقایسه داده‌های «موسسه بین‌المللی دموکراسی و همکاری انتخاباتی» تغییرات به مرور زمان را نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد که قوانین شفافیت در حال همه‌گیری هرچه بیشتر است.

اما موارد متعددی نیز مایه نگرانی است. اگر احزاب و کاندیداها در کشورهای مختلف بدانند که بی‌دقتی در گزارش‌ها شناسایی نخواهد شد و خطر تنبیه آنها را تهدید نمی‌کند، بعید است که تمایلی به ارائه اطلاعات دقیق در مورد مسائل مالی خود نشان دهند. چشمگیرترین یافته‌ای که از مرور بر بانک داده‌های «موسسه بین‌المللی دموکراسی و همکاری انتخاباتی» حاصل شده این است که ۴۰ کشور - که یک چهارم کشورهای لحاظ شده در داده‌ها و ۲۹ درصد کشورهایی است که رسماً وظیفه گزارش‌دهی دارند- قانونی ندارند که یک موسسه خاص را به عنوان مسئول بررسی گزارش‌های مالی و یا تحقیق درباره تخلفات معرفی کند. این کشورها از تعهد به خواسته کنوانسیون ضد فساد سازمان ملل متحد، فاصله زیادی دارند که بر اساس آن کشورها باید تلاش کنند تا... «شفافیت در بودجه کاندیداتوری برای دفاتر

عمومی و یا بودجه احزاب سیاسی را شفاف سازی کنند.» (آرت ۷,۳)

در برخی مواقع، جامعه مدنی هشیار و رسانه‌ها می‌توانند مشکلات ناشی از بازرسی ضعیف رسمی را کاهش دهند. اما در بسیار از موارد، از آنجا که این نهادها به سوابق مالی که کاندیداها و احزاب ارائه کرده‌اند دسترسی ندارند، کار نظارت موثر بر مسائل مالی سیاسی امری است بسیار دشوار. نگران کننده است که در ۲۱ درصد کشورها، لازم نیست که گزارش‌ها منبع درآمد احزاب سیاسی و کمپین‌های انتخاباتی را اعلام کنند. بدتر آن که، در ۲۸ درصد از کشورها، گزارش‌های ارائه شده لزومی ندارد که توسط احزاب سیاسی، یا کاندیداها و یا نهادهای دریافت‌کننده در اختیار عموم قرار گیرد. در چنین مواردی، شفافیت در مسائل مالی سیاسی، چیزی دست‌نیافتنی است. با آن که هر کشوری باید سیستم قوانین مالی سیاسی خود را طراحی کند، چهار مولفه باید همواره در نظر گرفته شود:

۱. گزارش مالی. احزاب سیاسی و نامزدهای انتخاباتی باید ملزم به ارائه صورت مالی دقیقی شوند که بار اضافی تحمیل نکند.
۲. فهم جریان پول. این گزارش‌ها باید حاوی اطلاعات مناسب و کافی باشند که به فهم نحوه جریان پول در سیستم سیاسی کمک کند. حامیان مالی کوچکتر، نفع مشروعی در اعلام نشدن نامشان دارند اما در مورد حامیان عمده مالی، حق مدیران انتخاباتی به دانستن منبع پول بر ملاحظات مخفی‌کاری درباره هویت حامیان، غلبه می‌کند.
۳. حکم بررسی مستقل. حکم بررسی گزارش‌های مالی و تحقیقات درباره تخلفات بالقوه باید بر عهده یک سازمان مستقل و توانا قرار گیرد. تمهیدات بازدارنده و تنبیهات متناسب نیز باید در نظر گرفته شود، هرچند هدف اولیه ترغیب به شفافیت و تعهد است.
۴. علنی کردن اطلاعات. اطلاعات موجود در گزارش‌های مالی باید به ساده‌ترین بیان و زبان ممکن در دسترس عموم قرار گیرد. بدون این گام آخر، شفافیت میسر نخواهد شد.

رعایت چهار مولفه فوق متضمن شفافیت درباره پول در نظام سیاسی نیست. طرف‌های ذینفع معمولاً به پنهان کردن اطلاعاتی خاص علاقه دارند و همواره به دنبال راه‌های دررو در سیستم هستند تا آنها را پنهان کنند. هرچند، یک نظام شفاف که به درستی طراحی شده، گامی اساسی در تحکیم کنترل دموکراتیک امور مالی در نظام سیاسی است.

نتیجه‌گیری

هدف از این گزارش معرفی داده‌های «موسسه بین‌المللی دموکراسی و همکاری انتخاباتی» درباره مقررات مالی سیاسی در کشورهای جهان است که گرایش‌های کلی در چارچوب داده‌های اطلاعاتی خود را عرضه می‌کند. هدف این گزارش - درست مانند خود بانک داده‌های اطلاعاتی - تشویق و تسهیل تحقیقات بیشتر درباره موضوع در آینده و همچنین به کارگیری قوانین مالی سیاسی است. با آن که بانک داده‌های اطلاعاتی جهانی است اما از این داده‌ها می‌توان در سطوح منطقه‌ای و ملی نیز استفاده کرد.

فصل ۱ بر اساس هفت گروه سوال درباره قوانین نظام مالی سیاسی، و با تاکید بر مقایسه‌های منطقه‌ای، بانک اطلاعاتی را بررسی می‌کند. این بررسی برپایه حدود ۷۰۰۰ مورد داده از ۱۸۹ کشور موجود در بانک داده‌ها، بنا شده است. گزینه‌های مختلفی در کشورهای گوناگون انتخاب شدند تا مشکلات مشابه بررسی شده و نقاط نگرانی مشخص شود.

نتایج اصلی این تحلیل در بخش «یافته‌های کلیدی» ارائه شده‌اند که به گرایش‌های جهانی و منطقه‌ای می‌پردازد. امید ما این است که این تحلیل اولیه محققان علاقمند به انجام مقایسه‌های عمیق‌تر را تشویق و ترغیب کند.

در فصل ۲، مقایسه بین مقررات مالی، سیاسی و سطح آزادی و میزان فساد انجام شده تا راه‌های ترکیب بانک داده‌های اطلاعاتی با دیگر منابع نشان داده شود تا فهم عمیق‌تری از قوانین و مقررات مالی، سیاسی حاصل شود. سطح آزادی و تجربه فساد انتخاب شدند تا ارتباط میان مقررات مالی، سیاسی با توسعه سیاسی، و از سوی دیگر ارتباط میان مقررات با سطح فساد بررسی شود. تحقیقات اولیه نشان داد که چندین حلقه ارتباطی مشخص وجود دارد، و برای فهم نقش مقررات در ارتباط با مبحث مالی، سیاسی، به تحقیقات بیشتر نیاز است. روش‌های دیگر نیز باید برای کشف ارتباطات معمول ممکن میان مقررات مالی، سیاسی و دیگر پدیده‌های اجتماعی باید به‌کار گرفته شود.

بخش دوم فصل ۲ بر دو تم مهم تمرکز می‌کند: رابطه میان حزب سیاسی و مسائل مالی نامزد، و سطح شفافیت در نقش پول در هر کشور. در این بخش گفته شد که کشورها هنگام اعمال محدودیت بر کمک‌های مالی و مخارج، و همچنین در راستای شفافیت، باید مسائل مالی نامزدها و احزاب سیاسی را مشترکاً بررسی کنند.

سپس گفته شد که شفافیت نقطه عطفی در هر گونه بررسی نظام مالی، سیاسی است و چهار مولفه در رسیدن به شفافیت نقش پول در سیاست ملل الزامی هستند، هر چند شفافیت کامل هرگز تضمین نمی‌شود.

آگاهی از قوانین دیگر بخش‌های جهان در ایجاد اصلاحات در کشورهای دیگر، می‌تواند نقشی بسیار مهم داشته باشد. البته هیچ کشوری نباید بدون قید و شرط قوانین و مقررات جای دیگری را کپی و اعمال کند. در هر مورد، مراجع تصمیم‌گیرنده باید بررسی جامعی درباره نقش پول در نظام سیاسی خودشان داشته باشند و بعد قوانینی را برداشت کنند که برای آن کشور مناسب است.

با آن که دو بانک داده‌های اطلاعاتی «موسسه بین‌المللی دموکراسی و همکاری انتخاباتی» مستقیماً قابل مقایسه نیستند، مقایسه میان بانک قدیمی مربوط به سال ۲۰۰۳ و بانک جدید موسسه، نشان می‌دهد که مقررات مالی، سیاسی در جهان در حال گسترش و پیچیدگی روزافزون است. بانک قدیمی روی وبسایت موسسه قابل دیدن است و علاقمندان می‌توانند تفاوت قوانین را مطالعه کنند، بخصوص در سطح ملی.

امیدواریم که این معرفی کوتاه به شکل‌گیری پرسش‌هایی کمک کرده باشد که پاسخگویی به آنها مستلزم تحقیقات بیشتر و دقیق‌تر باشد، و راه‌هایی را پیش روی قرار دهد که موارد استفاده از اطلاعات موجود در بانک را فراهم سازد. فراموش نکنید که جدای از پاسخ‌هایی که در بانک داده‌ها برای سوالات آمده، جمع‌بندی و آماربندی داده‌ها شامل برآوردهای متناسب از قانون و دیگر منابع است که برای تحقیقات بیشتر، استفاده مضاعف دارد. ما تمامی خوانندگان را تعمق و کشف بانک داده‌های اطلاعاتی می‌کنیم که اینجا در دسترس است:

<http://www.idea.int/political-finance>

پیوست: فهرست کامل سوالات موجود در بانک داده‌های اطلاعاتی بانک اطلاعات «موسسه بین‌المللی دموکراسی و همکاری انتخاباتی» درباره مقررات مالی سیاسی، اطلاعاتی از ۱۸۰ کشور در پاسخ به ۴۳ پرسش مشخص را در برمی‌گیرد. این پیوست، فهرست سوال‌های مورد استفاده در نسخه بروز شده بانک اطلاعاتی در سال ۲۰۱۱ را در برمی‌گیرد. اطلاعات بیشتر درباره سوالات مختلف، از جمله توضیح دسته‌بندی سوالات و سوالات تکی و همچنین دستورالعمل کدگذاری و آماربندی مورد استفاده محققان در اینجا قابل دسترسی است:

<http://www.idea.int/political-finance>

ممنوعیت‌های کمک‌های مالی

۱. آیا بر اهدای کمک مالی خارجی به احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟
۲. آیا بر اهدای کمک مالی خارجی به کاندیدها ممنوعیتی وجود دارد؟
۳. آیا بر اهدای کمک مالی شرکت‌های بزرگ به احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟
۴. آیا بر اهدای کمک مالی شرکت‌های بزرگ به کاندیدها ممنوعیتی وجود دارد؟
۵. آیا بر اهدای کمک مالی شرکت‌های طرف قرارداد دولت یا نیمه دولتی بر احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟
۶. آیا بر اهدای کمک مالی شرکت‌های طرف قرارداد دولت یا نیمه دولتی بر کاندیدها ممنوعیتی وجود دارد؟
۷. آیا بر اهدای کمک مالی اتحادیه‌های کارگری بر احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟
۸. آیا بر اهدای کمک مالی اتحادیه‌های کارگری بر کاندیدها ممنوعیتی وجود دارد؟
۹. آیا بر اهدای کمک مالی منابع ناشناس بر احزاب سیاسی ممنوعیتی وجود دارد؟
۱۰. آیا بر اهدای کمک مالی منابع ناشناس بر کاندیدها ممنوعیتی وجود دارد؟
۱۱. آیا بر اهدای منابع دولتی به احزاب سیاسی یا کاندیدها ممنوعیتی وجود دارد؟ (به استثناء بودجه عمومی مقرر)
۱۲. آیا ممنوعیت دیگری بر اشکال دیگر اهدای منابع مالی وجود دارد؟

محدودیت‌های کمک‌های مالی

۱۳. آیا بر میزان پولی که یک حامی مالی می‌تواند به حزب سیاسی در مدت زمان خاص پرداخت کند محدودیت وجود دارد؟ (نه الزاماً زمان انتخابات)
۱۴. اگر بر میزان پولی که یک حامی مالی می‌تواند در زمانی خاص (نه الزاماً زمان انتخابات) به یک حزب سیاسی پرداخت کند، محدودیت اعمال می‌شود، میزان محدودیت کدام است؟
۱۵. آیا میزان پولی که یک حامی مالی می‌تواند در ارتباط با انتخابات به یک حزب سیاسی پرداخت کند، سقف دارد؟
۱۶. اگر پول پرداختی یک حامی مالی به یک حزب سیاسی در ارتباط با انتخابات، سقف دارد، محدوده آن سقف کدام است؟
۱۷. آیا میزان پولی که یک حامی مالی می‌تواند به یک کاندیدا اهدا کند سقف دارد؟
۱۸. اگر پول پرداختی یک حامی مالی به یک کاندیدا سقف دارد، محدوده آن سقف کدام است؟

بودجه عمومی

۱۹. آیا تدارکی برای ارائه بودجه عمومی به احزاب سیاسی وجود دارد؟
۲۰. در صورت وجود تدارک اعتبار برای بودجه مستقیم عمومی به احزاب، معیارهای شایستگی کدامند؟
۲۱. در صورت وجود تدارک اعتبار برای بودجه مستقیم عمومی به احزاب سیاسی، معیار محاسبه بودجه مقرر چیست؟
۲۲. در صورت وجود تدارک اعتبار برای بودجه مستقیم عمومی به احزاب سیاسی، مقرراتی برای چگونگی استفاده از آن هم وجود دارد؟
۲۳. آیا تدارک اعتباری برای دسترسی رایگان یا سوبسیددار احزاب به رسانه‌ها وجود دارد؟
۲۴. اگر تخصیص اعتباری برای دسترسی رایگان یا سوبسیددار احزاب به رسانه‌ها وجود دارد، معیارهای این دسترسی کدامند؟
۲۵. آیا تدارک اعتباری برای دسترسی رایگان یا سوبسیددار کاندیداها به رسانه‌ها وجود دارد؟
۲۶. آیا اعتباری برای انواع دیگر بودجه عمومی غیرمستقیم وجود دارد؟
۲۷. آیا اعتباری از بودجه مستقیم عمومی به احزاب سیاسی وجود دارد که با برابری جنسیتی در میان کاندیداها مرتبط باشد؟
۲۸. آیا اعتبارات دیگری به شکل مشوق‌های مالی در نظر گرفته شده که برابری جنسیتی در احزاب سیاسی را ترغیب کند؟

ممنوعیت‌های مخارج

۲۹. آیا خرید رای ممنوع است؟
۳۰. آیا استفاده از منابع دولتی به نفع یا علیه یک حزب سیاسی یا کاندیدا ممنوع است؟

محدودیت‌های مخارج

۳۱. آیا بر میزان مخارج یک حزب سیاسی محدودیتی وجود دارد؟
۳۲. اگر بر میزان مخارج یک حزب سیاسی محدودیت وارد است، آن محدودیت کدام است؟
۳۳. آیا بر میزان مخارج یک کاندیدا محدودیتی وارد است؟
۳۴. اگر بر میزان مخارج یک کاندیدا محدودیت وارد است، آن محدودیت کدام است؟

شفافیت مالی

۳۵. آیا احزاب سیاسی باید به طور منظم درباره مسائل مالی‌شان گزارش دهند؟
۳۶. آیا احزاب سیاسی باید مسائل مالی مرتبط با کمپین‌های انتخاباتی را گزارش دهند؟
۳۷. آیا کاندیداها باید درباره مسائل مالی‌شان در ارتباط با کمپین‌ها گزارش دهند؟
۳۸. آیا اطلاعات درج شده در گزارش‌های احزاب سیاسی و/یا نامزدها ممکن است عمومی شود؟
۳۹. آیا گزارش‌های احزاب سیاسی و/یا نامزدها باید هویت ارائه‌دهندگان کمک‌های مالی را فاش کند؟

اجرا و مجازات

۴۰. چه نهادی (نهادهایی) گزارش‌های مالی احزاب سیاسی و/یا نامزدها را دریافت می‌کند؟
۴۱. آیا نهاد (یا نهادهای) ویژه‌ای مسئول بررسی گزارش‌های مالی و/یا تحقیق درباره تخلفات شده‌اند؟
۴۲. چه موسسات دیگری نقش رسمی در نظارت بر مسائل مالی سیاسی دارند؟
۴۳. چه مجازات‌هایی برای تخلفات مالی سیاسی در نظر گرفته شده است؟

منابع و مطالب بیشتر

- Groupe d' Etats contre la corruption (Group of States against Corruption, GRECO), *Evaluation Report on France, Transparency of Party Funding (Theme II)* (GRECO: Strasbourg, 2009).
- Groupe d' Etats contre la corruption (Group of States against Corruption, GRECO), *Evaluation Report on Germany, Transparency of Party Funding (Theme II)* (GRECO: Strasbourg, 2009).
- Ohman, M., 'Global trends in the regulation of political finance', paper presented at the IPSA-ECPR Joint Conference 'Whatever Happened to North-South?', University of Sao Paulo, Brazil, February 16-19, 2011.
- Ohman, M. and Zainbulhai, Hani. (eds), *Regulating Political Finance: the Global Experience* (International Foundation for Electoral Systems: Washington, DC, 2009).
- Speck, B and Fontana, A, "'Milking the system": fighting the abuse of public resources for re-election', U4 Issue Paper no. 7, August 2011, U4 Anti-Corruption Resource Centre, <<http://www.u4.no/publications/milking-the-system-fighting-the-abuse-of-publicresources-for-re-election/>>.
- Transparency International (TI) and the Carter Center (TCC), *The CRINIS Project: Money in Politics, Everyone's Concern* (TI/TCC: Berlin/Atlanta, 2007).